

بہائیت:

فاقد مختصات یک دین الہی

- بهائیت، فاقد مختصات یک دین الهی..... ۶
۱. چکیده: ۶
- ۲- کلید واژه ها ۶
- ۳- مقدمه: ۶
- ۴- تاریخچه: ۷
- ۴-۱- علت محدثه (پیدایش) مسلک بهائیت: ۷
- ۴-۱-۱- علل داخلی: ۷
- ۴-۱-۱-۱- جریان فکری ای که محصول اوضاع و شرایط خاص زمانه بود: ۷
- ۴-۱-۱-۲- روحیات درونی و شخصیت سران مسلک ۸
- ۴-۱-۲- علل خارجی: ۸
- ۴-۲- علل مبقیه (استمرار) ۸
- ۴-۲-۱- وضعیت روحی و حالات روانی و شخصیتی سران مسلک: ۸
- ۴-۲-۲- عوامل درون مسلکی و شرایط زمانی و مکانی: ۸
- ۴-۲-۲-۱- سنخیت با برخی از اصول محققه شیعه مثل رجعت و بدا؛ ۸
- ۴-۲-۲-۲- سنخیت با برخی از اصول باطنیه که روزگاری بر ایران تسلط داشته اند؛ ۹
- ۴-۲-۲-۳- نزدیکی زیاد این اعتقاد به شیخیان [که در آن زمان از تفکرات رایج شناخته شده بوده]؛ ۹
- ۴-۲-۲-۴- آمادگی کامل جامعه برای ظهور امام غایب در اثر تبلیغات تعداد زیادی از علمای شیخیه که طرفداران زیادی هم داشتند. ۹
- ۴-۲-۲-۵- اعمال شکنجه روی پیروان باب از سوی حکومت به علت ترور نافر جانم ناصرالدین شاه از سوی حکومت: صاحب مفتاح باب الابواب چنین نظریه ای را مطرح می کند که این شکنجه ها سبب انتشار مسلک بابیان در ایران و هند و ترکیه شد. ۹
- ۴-۲-۲-۶- دو اشتباه بزرگ از طرف یکی از صاحب نظران جبهه مخالف علی محمد باب: ۹
- ۴-۲-۳- اقدامات و برنامه های بزرگان بهائی: ۹

- ۹-۲-۳-۱- اختصاص دعوت این طایفه به طبقات بی اطلاع جامعه:.....
- ۱۰-۲-۳-۲- کار کردن روی ذهن بچه های بهائی:.....
- ۱۰-۲-۳-۳- پر کردن اوقات آنها با مراسمات خاص تا آنجا که ملاک کرامت انسانی فرار می گیرد:.....
- ۱۰-۲-۳-۴- بها دادن ظاهری به اهل بهائیت و حمایت از آنها:.....
- ۱۰-۲-۳-۵- منع از مجاورت با علمای مسلمان و تحصیل کرده ها:.....
- ۱۰-۲-۳-۶- کیفیت برخورد با نجات یافتگان از بهائیت:.....
- ۱۰-۲-۳-۷- ادامه همکاری و سرسپردگی عمیق و همه جانبه با دولتهای استعماری.....
- ۱۰-۲-۳-۸- صرف هزینه های سنگین:.....
- ۱۰-۲-۳-۹- نفوذ در حکومت پهلوی:.....
- ۱۱-۲-۳-۱۰- دیدگاه و راه حل متخذ در امر شهوت و ازدواج:.....
- ۱۳-۲-۳-۱۱- ارائه آمار تقلبی در مورد تعداد بهائیان.....
- ۱۳-۲-۳-۱۲- کیفیت تبلیغ:.....
- ۱۳-۲-۳-۱۳- معرفی کردن کسی که بر علیه بها یا مسلک او حرفی بزند به عنوان عقب مانده و روانی در بین مردم.....
- ۱۳-۲-۳-۱۴- نقش استعمار در پیدایش و بقاء بهائیت از امور مسلم و واضح است.....
- ۱۴-۳-۴- علل غایی (هدف) تشکیل این مسلک:.....
- ۱۴-۳-۱- اهداف سران تشکیلات بهایی:.....
- ۱۴-۳-۲- اهداف استعمارگران خارجی:.....
- ۱۵- عقاید بهائیت.....
- ۱۶-۱- اصول ادعائی.....
- ۱۶-۲- اصول واقعی.....
- ۱۷-۱-۲- توحید و نبوت.....
- ۲۰-۱-۲- ادعاهای علی محمد شیرازی:.....
- ۲۲-۱-۲- ادعاهای حسین علی نوری:.....
- ۲۴-۱-۲-۱- تصریحات حسینعلی میرزا:.....

- ۲۴ ۵-۲-۱-۲-۲-تصریحات عباس افندی:
- ۲۵ ۵-۲-۱-۳-تصریحات مبلغان بهائی که مورد تصویب [تصویب] بهائیت است:
- ۲۵ ۵-۲-۱-۳-جواب بهائیان از اشکالات:
- ۲۷ ۵-۲-۱-۴-پاسخ:
- ۳۰ ۵-۲-۲-معاد
- ۳۰ ۵-۳-۱-ادله چهارگانه بهائیان و انتقادات وارد بر این ادله:
- ۳۱ ۵-۳-۱-استدلال به آیات:
- ۳۳ ۵-۳-۲-استدلال به روایات:
- ۳۵ ۵-۳-۳-دلیل تقریر
- ۳۵ ۵-۳-۴-معجزه
- ۳۶ ۵-۴-۱-اصول ده گانه اعتقادی اسلام در بطلان ادیان بعد از اسلام:
- ۳۶ ۵-۴-۱-اصل اول: خاتمیت دین رسول اکرم «ص»:
- ۳۷ ۵-۴-۲-اصل دوم: حضرت ولیعصر «عج» امام دوازدهم:
- ۳۷ ۵-۴-۳-اصل سوم: مقام نبوت
- ۳۷ ۵-۴-۴-اصل چهارم: پروردگار جهان
- ۳۸ ۵-۴-۵-اصل پنجم: عبادت توقیفی است
- ۳۸ ۵-۴-۶-اصل ششم: قیامت وحشر و نشر
- ۳۹ ۵-۴-۷-اصل هفتم: مقام نبوت امری است و موهبتی است الهی
- ۳۹ ۵-۴-۸-اصل هشتم: نبوت ودرستی
- ۴۰ ۵-۴-۹-اصل نهم: کتاب آسمانی
- ۴۰ ۵-۴-۱۰-اصل دهم: دین و تناقض نداشتن
- ۴۰ ۶-عقیده کلی بهائیت در سیاست:
- ۴۱ ۷-۱-احکام بهائیت:
- ۴۱ ۷-۱-نماز و روزه
- ۴۲ ۷-۲-قبله

۴۲	۳-۷-سرقت
۴۲	۷-۴-زنا:
۴۲	۷-۵-عید:
۴۲	۷-۶-ازدواج:
۴۳	۸-تبلیغ بهائیت
۴۳	۸-۱-برخی از اقدامات تبلیغی بهائیت در ایران:
۴۴	۹-جمع بندی:
۴۵	۱۰-فهرست منابع:

عنوان مقاله:

بهائیت، فاقد مختصات یک دین الهی

۱. چکیده:

هدف از خلقت انسان، قرب الهی است و ایصال به او در گرو پیمایش راه اوست که دین می نامند. دین به عنوان همزاد بشر همواره با اولین صادر و اولین تجلی حق تعالی یعنی «عقل» عجین بوده از اولین نیازهای بشری به حساب می آید. رکن تعریف دین سه مؤلفه است: آهست ها و نیست ها و بایدها و نبایدهای ترسیم شده از طرف حکیم مطلق که در تعبیر دیگر اصول و فروع دین نامیده شده اند.

این مقاله با رویکرد نظری و روش کتابخانه ای، و با هدف بررسی تطبیقی ارکان مذکور در مسلک بهائیت جهت پی بردن به ماهیت واقعی آن به کاوش پرداخته که فرایند آن چیزی جز یک دست آموزه های تاویلی، متناقض، سست و غیر وحیانی نیست. البته از دینی که منشأ غیر وحیانی داشته باشد بیش از این انتظار نمی رود.

از آن رو که توجه به رویکرد سیاسی، روش تبلیغی و احکام عملی در این مسلک جهت روش تر شدن بحث ضروری به نظر می رسد به آنها نیز اشاره ای شده است.

۲- کلید واژه ها

توحید، نبوت، معاد، قیامت، بهشت، جهنم، تأویل و دین.

۳- مقدمه:

^۱عقل به معنای العقل ما عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان.ر.ک: زینب اسلامی، گناه وترس آگاهی در اندیشه کی یر کگارد، مجله علمی-ترویجی معرفت ۱۳۳، سال هفدهم، شماره دهم، دی ۱۳۸۷، ص ۱۶۰.

^۲معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نمسا، دین شناسی، سازمان بسیج دانش آموزی، تعریف دیگری از دین ارائه شده که شامل ادیان غیرتوحیدی هم میشود. مجموعه ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است. ر.ک: محمد محمد رضایی و دیگران، جستارهایی در کلام جدید، سمت، قم، چاپ دوم، ص ۳۰۰ به نقل از:

Paul Edwards, The Encyclopedia of philosophy, Vol. 7, p. 140.

A New Dictionary of Religion, Ed by John R. Ainnells, p. 414.

در تاریخ تفکر بشر، بر وجود امری مقدس و ماورائی در جهان خلقت تحت عنوان «خدا» تأکید شده و عقل و فطرت و اعتراف عینی و التزام عملی آدمیان به خالق مقدس، مؤید نکته فوق می باشد. اندیشه خانمان سوز مرگ، رنجش از ظلم و بیداد و مسائلی از این دست که راه حل خود را در علم و ذهن مخلوق پیدا نمی کند، وجود «دین» را امری قطعی و ضروری می نمایند.

دو نوع دین در عالم وجود دارد:

الف- دین اصیل: دینی که از طرف خداوند جهان جهت هدایت بشر نازل گشته هر چند بعد از مدتی به واسطه تکامل اوضاع بشر از جانب باریتعالی منسوخ گردیده باشد.

ب- دین غیر اصیل: مجعولات و بست و بندهایی که دارای اصل صحیح آسمانی نبوده و مخلوق اوهام و ساخته سیاستهای هواپرستانه و استعماری است.

مسلک بابی و بهائی گری از نوع دوم بوده و قرائن عدیده‌ای براین مطلب دلالت دارد.

قانون تجزیه و تحلیل و قانون علت و معلول (علت=استعمار و معلول= آثار مخرب مسلک) ابزار مناسبی جهت شناخت اصالت یک دین می باشد. خود بهائیان نیز به همین دلیل بغایت تلاش می کنند تا مؤلفات اصلی و تحریف نشده باب و بها و احکام و عقایدشان را از انظار پوشیده نگه دارند. تا آنجا که خود پیروان این مسلک هم از عقاید و احکام و بها و مبادی و مبانی این مسلک اطلاع ندارند و این مسلکی است که براساس بی اطلاعی پیروان آن بنا شده است.

در زمینه اعتقادات بهائی مطالبی به صورت پراکنده در برخی منابع مطرح گردیده است ولی این مقاله از آنجا که در صدد معرفی عقاید بهائیت به نحو موجز و مستند است می خواهد با پرداختن به مفاهیم اعتقادی ای نظیر توحید نبوت معاد، قیامت، بهشت و جهنم که در اسلام ناب محمدی از معانی واضح، ولی در بهائیت از معنای تأویلی خاصی برخوردارند، به این سؤالات پاسخ دهد که:

۱- آیا عقاید بهائیت از ائقان علمی و عقلی برخوردار است؟

۲- منبع جعل احکام و عقاید در بهائیت چه کسی یا چه چیزی است؟

۳- اساسا ماهیت بهائیت چیست دین یا حزب سیاسی یا...؟ آیا مختصات یک دین را دارد؟

۴- تاریخچه:

۴-۱- علت محدثه (بیدایش) مسلک بهائیت:

۴-۱-۱- علل داخلی:

۴-۱-۱-۱- جریان فکری ای که محصول اوضاع و شرایط خاص زمانه بود:

هر دو شیطان روس و انگلیس به نوعی در تخم ریزی و انعقاد نطفه این مسلک هم دست شدند^۱. حسینعلی نوری (بها) مانند علی محمد شیرازی (باب) مسلکی را براساس خواسته های سیاسی وزارت مستعمرات انگلیس به وجود آورد تا «بابیه» ساخته دست روس^۲، قدرت اجتماعی غیر قابل کنترل نشود و این سیاست همیشگی قدرتمندان جهت کنترل این طور نیروهای انقلابی می باشد^۳. انگلیس ها از تحریک و تربیت و تقویت شیخ احمد احسائی^۴ فتنه «رکن رابع» را بوجود آوردند و روس ها [توسط دالگورکی] از طریق کاظم رشتی زمینه ادعای قائمیت علی محمد شیرازی را فراهم کردند. سپس هر دو سفارت روس و انگلیس برای حفظ و حمایت آنچه بوجود آورده بودند همکاری داشتند. چنان که ازلیان به حمایت از انگلستان و بهائیان در قرارشان حمایت روس شدند و برای این که به قدرتی تبدیل نشوند در مقابل هم دادند. عاقبت بهائیان به روسیه خیانت کرده به ذیل عنایت دایه انگلیسی پناه بردند، بالاخره به ارباب انگلیسی هم بی وفایی کرده به مولای پولدار و سخاوتمندتری مثل آمریکا پناه آوردند^۵.

۱. یوسف فضایی، تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی گری، بابی گری... و کسروی گرایی، آشیانه کتاب، تهران ۱۳۸۱، ص ۲۳.

۲. چگونگی برقراری ارتباط دالگورکی (جاسوس روسی) با محمدعلی و صمیمیت با او تا حدی که نیاز جنسی همدیگر را هم برطرف کنند را در کتاب مهتدی (صبحی) فضل الله- کاتب عبدالبهاء، به اهتمام علی امیر مستوفیان، خاطرات انحطاط و سقوط، علم، تهران ۱۳۸۴، ص ۶۹-۶۶ مطالعه کنید. (این منبع اختصاراً صبحی ص... درج خواهد شد)

۳. علی امیر مستوفیان، رهبران ضلالت، مولف، تهران ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۴۹۸.

۴. شیخ احمد احسائی ۱۱۶۶ هـ ق (۱۲۴۳) بنیان گذار مکتب شیخی گری- از اخباریون می باشد. اصل عقاید شیخیه چنین است:

الف: امامان دوازده گانه شیعه را مظهر صفات الهی می دانند؛

ب- از آنجا که امام دوازدهم در سال ۲۶۶ هـ ق از نظرها غایب گشته و هنگام ظهور او فقط در آخرالزمان است، آنان مسئله «شیعی کامل» و حلول

روح او را عنوان نموده تا اینکه بتوانند همیشه به امام غایب به نحوی دسترسی داشته باشد. این شخص در نظر شیخیان رکن رابع است؛

ج: آنان می گویند معاد، جسمانی نیست تنها چیزی که پس از انحلال جسم عنصری از بشر باقی می ماند جسم لطیفی است که آنان آن را «جسم هورقلیایی» می نامند.

بنابراین شیخیان به اصول زیر معتقدند:

۱. توحید؛ ۲. نبوت؛ ۳. امامت، اعتقاد به وجود شیعی کامل یا رکن رابع [شخصی که واسطه بین امام غایب و مردم است] رک: بهرام افراسیابی،

تاریخ جامع بهائیت، پیشین، صص ۳۶-۲۵.

۵. صبحی، صص ۷۳-۷۲ و علی امیر مستوفیان، رهبران ضلالت، پیشین، پاورقی ص ۴۹۸ و ص ۴۹۹.

۶. حسن گلپایگانی (فرید) ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، تابان ۱۳۳۴ - صص ۶۴.

۴-۲-۲-۲-سنخیت با برخی از اصول باطنیه که روزگاری بر ایران تسلط داشته اند؛^۱

۴-۲-۲-۳-نزدیکی زیاد این اعتقاد به شیخیان^۲ [که در آن زمان از تفکرات رایج شناخته شده بوده]؛

۴-۲-۲-۴-آمادگی کامل جامعه برای ظهور امام غایب در اثر تبلیغات تعداد زیادی از علمای شیخیه که طرفداران زیادی هم داشتند.^۳

۴-۲-۲-۵-اعمال شکنجه روی پیروان باب از سوی حکومت به علت ترور نافرجام ناصرالدین شاه^۴ از سوی حکومت: صاحب مفتاح باب الابواب چنین نظریه ای را مطرح می کند که این شکنجه ها سبب انتشار مسلک بابیان در ایران و هند و ترکیه شد.^۵

۴-۲-۲-۶-دو اشتباه بزرگ از طرف یکی از صاحب نظران جبهه مخالف علی محمد باب:

میرزا آغاسی (وزیر وقت) دو اشتباه مرتکب شد که باعث رونق و اشتهار باب و مسلک او شد:

۱. به جای آن که علی محمد شیرازی را در میان مردم جای دهند تا حقیقت به خودی خود بر همه ثابت شود، او را به ماکو تبعید کرد و سپس در قلعه چهریق زندانی نمود که در این فاصله سه ساله از زمانی ادعای باب تا زندانی شدن او و ایام زندانی شدن او فعالیت ها و تبلیغ های سه شخص بسیار مؤثر بود: ۱. ملاحسین بشرویه‌ای؛ ۲. تمایل قره العین با آن وجاهت و نطق و شور و مطالعات عمیق مذهبی همراه با طبع شعر لطیف؛ ۳. حضور ملامحمد علی قدوس که این جمع را تکمیل و تکان بزرگی در مردم بوجود آورد.

۲. برگزاری نشست‌های بین علماء دین و علی محمد باب که صرف همین نشست باعث اشتهار او شد.^۶

۴-۲-۳-اقدامات و برنامه های بزرگان بهائی:

۴-۲-۳-۱-اختصاص دعوت این طایفه به طبقات بی اطلاع جامعه:

تا آنجا که حتی خود بابیان و بهائیان از خیلی از عقاید دینی خودشان مثل هورقلیا و تناسخ^۷ و احکام و عقاید دینشان بی اطلاعند. به تصریح یکی از مستبصرین، بهائیان دو دسته اند: دسته ای از آنها انسان های فریب خورده و ناآگاه که به دام افتاده و غافلند و بهائیت یا به صورت موروثی به آنان رسیده و یا به علت عدم دانش کافی از دین

۱. همان، ص ۶۴

۲. همان، ص ۶۴.

۳. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۵۸.

۴. در مورد فجایع بهائیان ر.ک: بی نا، فجایع بهائیت واقعه قتل ابرقو استخراج از پرونده های شاهرود، کاشان و ابرقوی یزد در دادگاه جنائی تهران، کیهانی، تهران، بی تا.

۵. حسن گلیپاگانی (فرید) ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بها، پیشین، ص ۶۷.

۶. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۱۶.

۷. ر.ک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۶۵.

و دیانت در دام آن افتاده و بهائیت را به عنوان دینی آمده از سوی خدا پذیرفته اند و بدون کوچکترین دلیل قانع کننده ای ادعای اربابان بهائیت را پذیرفته اند. دسته دوم کسانی‌اند که در رأس تشکیلات بهائی قرار دارند که از سیاسی بودن فرقه اطلاع دارند ولی به خاطر حفظ منافع، اعتراف نمی کنند.^۱

۴-۲-۳-۲- کار کردن روی ذهن بچه های بهائی:

۴-۳-۲-۳- پر کردن اوقات آنها با مراسمات خاص تا آنجا که ملاک کرامت انسانی قرار می گیرد:

۴-۳-۲-۴- بها دادن ظاهری به اهل بهائیت و حمایت از آنها:

۴-۳-۲-۵- منع از مجاورت با علمای مسلمان و تحصیل کرده ها:

۴-۳-۲-۶- کیفیت برخورد با نجات یافتگان از بهائیت:

صبحی بعد از اینکه گوشه‌ای از چگونگی رفتار بهائیان با خود صبحی را آن زمان که صبحی مستبصر می شود به رشته تحریر در می آورد- که واقعا دردناک است- می گوید: « اگر بخواهم گزارش بسیاری از مردم را که به دست آنها [بهائیان] نابود شدند بگویم به دفتری جداگانه نیاز می افتد.

پدر صبحی هم در مورد همین ماجرا چنین می گوید: « فرزندان این گروهند که می خواهند مردم جهان را با هم یکی کنند و به دشمنی و بیگانگی را از میان بردارند!!! آذر اثر همین برخوردهاست که اکثرا پی به بطلان مسلکشان می برند ولی جرأت بروز آن را ندارند چه عالم باشد مثل مشهورترین و قوی ترین تئوریسین بهائی ابوالفضل گلپایگانی صاحب فرائد.^۳ چه عوام.^۴

۴-۳-۲-۷- ادامه همکاری و سرسپردگی عمیق و همه جانبه با دولتهای استعماری:

۴-۳-۲-۸- صرف هزینه های سنگین:

۴-۳-۲-۹- نفوذ در حکومت پهلوی:

۱. مهناز رئوفی، سایه شوم، پیشین، صص ۱۶-۱۷.

۲. صبحی، صص ۳۹۴-۴۱۴

۳. ر.ک: صبحی، صص ۳۰۴-۳۰۶. و نورالدین چهاردهی، بهائیت چگونه پدید آمد، پیشین، صص ۲۶۶ به نقل از کشف الحیل، ج ۳، صص ۲۴۳ (وبهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، صص ۴۰۳ می نویسد گلپایگانی دلیلی بر حجیت بهائیت نیافته است).

۴. مجله ایام، ویژه تاریخ معاصر، شماره ۲۹، ۶ شهریور ۱۳۸۶، صص ۵۹، صبحی را هم خیلی تهدید کردند، گفتند درمانده و حقیر خواهد شد ولی به فضل خدا همچنان که خودش می گوید چنان شد که از ناموری گاهی با دشواری روبه رو می شود. صبحی، صص ۴۱۳، حدیث سلسله الذهب مایه دلگرمی تمام خداپاوران است- امام رضا ع: خداوند میفرماید: کلمه لاله الله دژ من است هر کس داخلش شود، ایمن از عذاب من است. سپس امام ع آنرا مشروط به قبول امامت خویش می نمایند. ر. ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، موسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴، ج ۴۹، صص ۱۲۳.

تا آنجا که طبق یکی از اسناد پنج گانه منتشره توسط ساواک، بهائیان تصریح می کنند که در تمام وزارتخانه ها یک جاسوس داریم مثلا در لجنه پیمان کار، کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ارتش ایران و اینکه چگونه چتربازان را آموزش می دهند به محفل روحانی بهائیان تسلیم می کنند.^۱

۴-۲-۳-۱۰- دیدگاه و راه حل متخذ در امر شهوت و ازدواج:^۲

یکی از جاذبه‌های مسلکشان همین گزینه است.^۳ علی محمد دستور داده که در سن یازده سالگی ازدواج کنند و در صورت لزوم دو زن اختیار کنند.^۴ علی محمد حجاب را موجب عقاب شمرده و می گوید یک زن به نکاح آرند و نود زن را به استحباب در اختیار گیرند.

تا آنجا که افراط می شود که قره‌العین^۵ می گوید: هر کس مرا لمس کند به بهشت رود.^۶ و ابقیه گفتارش را حیا اجازه کتابت نمی دهد.^۷

حسینعلی حکم نکاح را واجب دانسته و بیشتر از دو زن را جایز نمی داند^۷ در حالی که خودش چهارزن داشت که مهم تر از همه خانم باجی بود که حسینعلی او را مهد علیا لقب داد.^۸

حکم زناى غير محصنه و غير محصن را در اقدس (ص ۱۵، س ۱۲) نه مثقال طلا معرفی کرده و زناى محصنه و محصن را به بیت العدل حواله کرده تا هر وقت تشکیل شد آنها تصمیم بگیرند.^۹ تا راه برای شهوت پرستی همچنان باز بماند.

۱. مجله ایام، پیشین، ص ۵۸ برخی از مسئولان بهائی آن زمان عبارتند از: هویدا، منصور روحانی، هژبر یزدانی، عباس ارام (وزیر امور خارجه) و پرویز ثابتی (جلاد ساواک) ر.ک: همان، ۵۴.

۲. راه‌های پیشرفت مسیحیت و بهائیت به طور کلی سه چیز است: اخلاق خوب، پول و تطمیع شهوت. Cd بهائیت استاد مردانی.

۳. ر.ک: عزالدین رضانژاد، مجله انتظار موعود، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۳، ص ۵۳۶.

۴. نورالدین چهاردهی، باب کیست سخن او چیست، پیشین، ص ۱۱۲.

۵. این زن [که حافظ قرآن بود] با فصاحت و بلاغت ادبی که داشت مردم را به گمراهی کشاند. عموی خویش حضرت علامه بزرگوار، محمدتقی معروف به شهید ثالث را به لحاظ مخالفت با فرقه ضاله بابیه به شهادت رساند. ر.ک: صبحی، ص ۴۷۷ و تاریخ جامع بهائیت، ص ۱۹۴، اقبال لاهوری در مورد او چنین سروده است:

بایشیزی دین و ملت را فروخت
هم متاع خانه و هم خانه سوخت
رفت از او آنمستی و ذوق و سرور
دین او اندر کتاب او
بگور (چهاردهی، ص ۲۷۵)

۶. همان، ص ۵۶.

۷. حسن گلیپایگانی، ترجمه مفتاح باب الابواب، پیشین، ص ۲۶۶.

۸. صبحی، ص ۲۰۰.

۹. ج.م.ت، محاکمه و بررسی باب و بها، چاپخانه مصطفوی ۱۳۴۴ ه.ش. چاپ سوم، ص ۱۸۸.

در (اقدس، ص ۳۰، س ۱۰) زن پدر حرام اعلام شده و پس از آن حیا فرموده اند که حکم لواط را که به آن اشاره کرده بیان کند. لذا لواط در این مسلک حکمی ندارد.^۱

متعّه (ازدواج موقت) در این مسلک حرام و به عنوان هواپرستی معرفی شده است.^۲

گذشته از انتقاداتی که در ذیل همان مطلب وارد شده بنده نیز لازم می دانم که نکته ای را در این مورد بیان کنم:

۱. وجود شهوت و قدرت آن در نهاد بشری امری بدیهی است؛

۲. جهت ارضاء صحیح آن طبق احکام شرع مقدس اسلام و مذهب تشیع دو راه بیشتر وجود ندارد: ۱. ازدواج دائم؛

۲. ازدواج موقت (متعّه)؛

۳. علما فواید زیادی برای ازدواج موقت بیان کرده اند که با رجوع به کتب مربوطه این مطلب به وضوح رؤیت خواهد شد. نگارنده بر آن است که علاوه بر فواید عدیده‌ای از قبیل امنیت بهداشتی و روانی جامعه، یکی از راه های مقابله با تهاجم فرهنگی و همچنین از راه های جلوگیری از جذب جوانان عزیز ایران اسلامی به آیین ها و مسلک‌هایی مثل بهائیت، احیای این سنت علوی است. این نکته مورد تاکید نگارنده است که تنها مشکل اجرائی شدن این امر مبارک - که عدم فرهنگ‌سازی در این زمینه در بین مردم متعهد و جوان ایران اسلامی است - باید توسط مسئولین محترم مربوط مرتفع گردیده این سنت الهی احیا گردد.

با آرزوی جریان این سنت الهی در جامعه، ادامه بحث را پی می گیریم:

هدف از برقراری جلسات مختلط را این طور بیان کرده اند که بهائیان با غیر بهائیان ازدواج نکنند و با مسلمان‌ها ارتباط نداشته به فساد اخلاقی مبتلا نشوند.^۳ آزادی مطلق در بهائیت تا آنجاست که دخترها و پسرها با هم به شنا می پردازند آن هم با یک پوششی که عدم توصیفش اولی است.^۴ اگر در کشور ما امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان فریضه ای که تمام فرائض نسبت به آن مانند قطره‌ای در مقابل اقیانوسند^۵ و هدف قیام خونین و تاریخی امام حسین «ع» می باشد، مزاحم افراد شهوت پرست است، در بهائیت امر به معروف - به همان معنا که در اسلام است - وجود نداشته^۶ لذا شهوت پرستی بدون هیچ گونه مانعی، افسار گسیخته به سوی هدفی که استعمار معین

۱۱. همان، ص ۱۸۶. امکان اینکه تحریم امهات فقط برای فرزند خودش بوده وجود دارد. ر.ک: ح.م.ت. محاکمه و بررسی باب وبهائ، پیشین، ص ۱۲۲.

۲. همان، صص ۱۶۴-۱۶۵.

۳. مهناز رئوفی، سایه شوم (نیمه پنهان، ج ۲۶) پیشین، ص ۶۸.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. حر عاملی، وسایل الشیعه، موسسه آل البیت "ع"، ج اول، ج ۱۶، ص ۱۲۴.

۶. مهناز رئوفی، سایه شوم، پیشین، ص ۴۷.

کرده همچنان در شتاب است.^۱ بهائیان علی رغم دستور سرانشان بیشتر با غیربهای از دواج می کنند. و کارهای خلافشان را هم بیشتر با غیربهایان انجام می دهند تا در بین خودشان اشتها به «هوسران» پیدا نکنند.^۲

۴-۲-۳-۱۱-ارائه آمار قلبی در مورد تعداد بهائیان

۴-۲-۳-۱۲-کیفیت تبلیغ:

۴-۲-۳-۱۳-معرفی کردن کسی که برعلیه بها یا مسلک او حرفی بزند به عنوان عقب مانده و روانی در بین مردم^۳

۴-۲-۳-۱۴-نقش استعمار در پیدایش و بقاء بهائیت از امور مسلم و واضح است.^۴

آن قدر مسئله بهائیت و حفظ بها برای روس اهمیت دارد که گفته شده شخصی مثل دالگورکی^۵ را به ایران ارسال کرده هزینه بسیار کلانی هم در راستای اهداف پلیدشان مصرف می کنند. این جاسوس آن قدر نفوذ دارد که در قضیه نجات حسینعلی حکومت را تهدید می کند که اگر یک مو از سر حسینعلی کم شود نهرهای خون در این شهر جاری خواهد شد. دالگورکی در مورد اسلام چنین می گوید: « پس از پنج سال و چند ماه که در ایران بودم به من ثابت شد که دین اسلام برحق است و می تواند بشر را سعادت مند کند و هیچ شک و شبهه ای برای من باقی نمانده بود و نیت کرده بودم که در حضور امپراطور و اعیان و بزرگان دولت مدلل کنم که دین اسلام ناسخ تمام

۱. اقدامات (ارتکاب) مبلغین بهائی و دیگر بهائیان در این زمینه (زنا) ر.ک: صبحی ، ص ۲۴۰، ۲۳۹، ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۳۵، ۸۴ و ح.م.ت. محاکمه و بررسی باب وبهاء، پیشین، ۱۸۸.

۲. همان، صص ۶۸-۵۵

۳. مهناز رئوفی ، سایه شوم (نیمه پنهان ، ج ۲۶)، کیهان ۱۳۸۵ ، چاپ دوم، ص ۶۵.

۴. ر.ک: علی رضا روز بهائی بروجردی، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۵. (مطالعه این کتاب که به نحو موجز و مستند نوشته شده برای طالبان حقیقت توصیه می گردد.)

۵. که به عنوان مترجم وارد ایران می شود و پیش یکی از طلاب به نام شیخ محمد که از شاگردان حکیم گیلانی (محقق دیگری که این کتاب را نوشته است. آقای یاسینی نسب- قائلند که تحقیق کرده چنین شخصی را نیافته اند. ر.ک) تحقیق) عبدالعلی یاسینی نسب (عمارلو) خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیز دالگورکی در ایران، صبور، قم، چ اول (۱۳۸۲) بوده تظاهر به مسلمانی می کند و با برادر زاده استادش به نام زیور که چهارده ساله بوده ازدواج می کند. زبان فارسی و عربی را هم به طور کامل یاد می گیرد علاوه بقر صرف ، نحو، عربی، تصاب و ترسل و تاریخ معجم، فقه و اصول را در حد قریب به اجتهاد می گیرد و لباس روحانیت را به تن کرده با استفاده از عناصری مثل یحیی و حسینعلی و زن خودش زیور به جاسوسی و ایجاد تفرقه بین شیعه می پردازد و تا آنجا پیش می رود که حتی در عزل و نصب های حکومتی و تصمیمات مهم حکومت هم دخالت می کند. (ر.ک: کینیز دالگورکی، خاطرات کینیز دالگورکی، حید بهره من، موسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الکریم، اصفهان)

۶. صبحی، ص ۷۷.

منابعی که به نقش دالگورکی در نجات بها اشاره کرده اند عبارتند از:

قرن بدیع ص ۸۳ همان قسمت دوم ص ۹۰ و ص ۸۶ در لوحی که به افتخار نیکولایویچ صادر می کند و قد نصرنی احد سفرائک... تاریخ بهجه الصدور ص ۱۲۸ بها وعصر جدید ص ۴۲ ، مبین ص ۵۷-۵۸ یا ملک الروس ان استمع نداءالله الملك القدوس... قد نصرنی احد سفرائک به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی. در برخی منابع نیز با استناد به ده منبع از منابع اصلی بهائی، این مطلب به اثبات رسیده است. ر.ک. مهدی کریمی ، بهائیت از ادعا تا واقعیت ، پیشین، ص ۶۸۶۱.

ادیان است و هیچ دین دیگری هم بعد از آن نخواهد آمد و قبول این دین برای عموم مردم هم اجر آخرت دارد و هم اجر دنیا. ولی پس از حضور در وزارت خارجه و هزاران سؤال و جواب چنان یافتیم که حرفی بر زبان جاری نکنم زیرا الکساندر دوم پادشاه و امپراتور روسیه به شخصه مرا خفه خواهد نمود.^۱

۳-۴-علل غایبی (هدف) تشکیل این مسلک:

۴-۳-۱-اهداف سران تشکیلات بهایی:

۴-۳-۲-اهداف استعمارگران خارجی:^۲

تصریح دالگورکی بهترین و گویاترین جمله است که هدفشان را معین می کند. او چنین می گوید:

«من همیشه در فکر بودم که چگونه عده ای شیعه بر تمامی گروه های اهل سنت و نیز بر امپراطوری بزرگی چون دولت عثمانی غلبه کرده اند و چطور این گروه اند که با روسیه جنگیده اند و تعداد زیادی از آنها را هلاک کرده اند؟ و دانستم که تمام اینها به خاطر وحدت مذهبی آنان به واسطه عقیده و ایمانشان به دین اسلام است و علت آن این است که هیچ گونه اختلاف مذهبی در آنان وجود ندارد. هر چند بعد از دوران صفویه نادرشاه در صدد بود که آنان را متحدسازد اما نیرنگ بعضی از جاهلان و سیاست های بیگانه مانع شد و باعث انشعاب آنان به گروه هایی به نام صوفی و شیخی و بهره... گردید. شیعه نیز مانند اهل تسنن دارای شعبه های مختلفی گردیده است من نیز در صدد ایجاد آیینی بودم که مرز نمی شناخت و مخصوص یک وطن نبود زیرا تمام فتوحات به خاطر حب وطن و وحدت مذهبی بوده است.^۳

عامه مردم که بین حق و باطل فرق نمی گذارند؛ فلان مرشد خر سواری که هیچ علم و معرفتی ندارد حتی عم جز را نیز نخوانده رئیس گشته و هزاران نفر از دراویش را افسار بسته و آنان را به گدایی و فقری در دهات و روستاها از صبح تا شام وادار ساخته است آنان نیز با اصرار از مردم چیز می گیرند.^۴

این نکته که روسیه در استفاده از اختلاف شیخیه و متشرعه جهت تضعیف دولت ایران بهره برداری کرده در برخی از منابع مهم نیز مطرح شده است.^۵

۱.ر.ک: (تحقیق) عبدالعلی یاسینی نسب (عمارلو): خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیاژ دالگورکی در ایران

۲.نکته قابل ذکر این است که برخی از دین شناسان بزرگ و مشهور غربی هم بهائیت را نه از اسلام و نه از شیعه از هیچ کدام به شمار نیاورده و ریشه آن را در شیخی گری احساسی می دانند. ر.ک. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰، ج پنجم، ص ۷۹.

۳.رئوفی می گوید بهائیت هر گونه تعصبی وطنی، دینی و ملی و هر عرق و علاقه و غیرتی را از انسان می گیرد. مهناز رئوفی، سایه شوم، پیشین، ص ۴۷.

۴.مجله خورشید مکه، ذیحجه ۱۴۲۵، شماره ۲۵، ص ۲۳، به نقل از کتاب خاطرات دالگورکی.

۵.بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۱۲.

همچنان که رهبر فرزانه انقلاب بارها تاکید نموده اند، تفرقه قومی هم از اهداف استعماری است. دالگورکی می گوید: «لازم است که پایه های اتحاد مسلمین با ایجاد اختلاف قومی در هم فرو ریزد اما نفوذ رقیب ما انگلیس در آن سرزمین ها از نفوذ ما هزار بار بیشتر بود و نفع او در آن بود که خلافت اسلامی باقی بماند و دولت عثمانی از بین نرود.»^۱

یکی از منابع قوی در مورد بهائیت، فلسفه ایجاد بهائیت در ایران را تلاش ناموفق استعمار روس و انگلیس در راستای ایجاد تفرقه ملی از طریق استفاده از نوگرایی دینی دانسته و این مطلب را به طور مستند اثبات می نماید.^۲ وقتی دیدند کسی به آنان اعتنا نمی کند از حربه مظلوم نمایی برای حفظ و صیانت از خود و همچنین جلب ترحم و احیانا کسب حمایت عمومی استفاده کردند. در این راه حتی به دروغ پردازی هایی روی می آورند که خود بهائیان نیز متعرض آن می شوند، نظیر:

اسطوره سازی از شخصیت های اولیه بهایی که چه شلاق ها خوردند و استقامت کردند و صحنه های بسیار حماسی و پرشور ساختن از جنگ ها و قتل و غارت هایی که به راه انداخته بودند. اما مظلوم نمایی هم راه به جایی نبرد و داد سران بهائیت را در آورد تا آنجا که در اثر خشم، روحیه ماکسول^۳ (همسر شوقی افندی) خیلی قبیحانه چنین می گوید:

مردم به طور کلی چون گله گوسفند که دسته جمعی بع بع می کنند می چرند و حرکت می کنند.^۴ خود بهاء نیز گلایه هایی دارد که چرا مردم اعتنایی به بهائیت نمی کنند. یکی از گلایه های او اینست:

چندی در بین این قوم مکث نمودیم ولی ادنی [=کمترین] توجه و اقبال و کمترین تذکر و انتباهی از آنان مشاهده نگردید.^۵

۵- عقاید بهائیت

در این مسلک همواره بین حقیقت و واقعیت فرسنگ ها فاصله وجود داشته که ماموریت اصلی سران آن نیز اختفای این امر از بهائیان و همچنین از مردم دنیا است. در این زمینه مؤلف کتاب راهنمای ادیان زنده چنین می نویسد:

۱. مجله خورشید مکه، پیشین، ص ۲۳.

۲. سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، پیشین، ص ۴۳.

۳. ماکسول به معنای کنیز بهاء، همین لقب نمونه بارز از تساوی حقوق زن و مرد در بهائیت است. (مجله ایام، پیشین، ص ۶۱)

۴. مجله ایام، پیشین، ص ۶۰.

۵. همان، ص ۶۰.

«در نسخه های کتاب های بها توسط مراکز بهائی که به نشر آثار حسینعلی اهماام دارند بارها به صلاح دید مقامات بهایی تغییراتی حاصل شده است.»^۱

غافل از اینکه در این عصر اطلاعات این منطق و ادله است که خودنمایی کرده ابرهای غفلت و جهالت را پس زده خورشید عالم تاب تشیع را نمایان خواهد کرد و شاید همین عامل موجب اعطای اغنام الله از سوی سران بهائی بر بهائیان فریب خورده و همچنین علت - به اصطلاح خودشان - تحری حقیقت و استبصار بسیاری از بهائیان شده گرچه خیلی ها جرات ابراز نداشته باشند.^۲

۵-۱- اصول ادعائی^۳

دیانت بهائی: ۱. وحدت عالم انسانی ۲. تحری حقیقت ۳. اساس ادیان الهی یکی است ۴. دین باید مطابق علم و عقل باشد. ۵. تساوی حقوق زن و مرد ۶. ترک تقلید ۷. تعلیم و تربیت عمومی و اجباریست ۸. وحدت لسان و خط ۹. صلح عمومی ۱۰. دین باید سبب محبت باشد. ۱۱. تعدیل معیشت و حل مشکلات اقتصادی از طریق روحانی ۱۲. تاسیس صلح عمومی بوسیله یک حکومت جهانی برپا شود.^۴

۵-۲- اصول واقعی

با مسامحه از تعبیر فوق استفاده کردیم چرا که بهائیت را نمی توان دین نامید. جهت اثبات این ادعا کافیت ارکان اعتقادی ادیان ابراهیمی که عبارتند از توحید نبوت معاد را در این مسلک هم مورد بررسی قرار دهیم:

۱. هیلنز، جان ر، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالکریم گواهی، ج ۲، چ دوم، بوستان کتاب، قم ۱۳۸۶. به نقل از ایتان، محیط طباطبایی، سال ۲، س ۱۱ و ۱۲، ص ۹۶۱-۹۵۲، سال ۸، ش ۵، ص ۳۴۳، ۳۴۸، ش ۶، ص ۴۲۶-۴۳۱، ش ۹، ص ۷۰۶. ۷۰۰.

۲. مانند آیتی، حسن نیکو، مهناز رثوفی، صبحی (کاتب عبدالبهاء) و پدرش، حسین فلاح، فردی به نام منطقی، ابوالفضل گلپایگانی و خیلی های دیگر که برخی کتابها و نوشته هایی در معرفی ماهیت واقعی بهائیت نیز دارند از جمله کتابهای مسلخ عشق و سایه شوم نوشته خانم رثوفی که به صورت رمان نوشته شده روزنامه کیهان آنها را چاپ کرده است. در ص ۵۹ مجله ایام داستان های کوتاهی ذکر شده است.

۳. بررسی این اصول ادعایی از حوصله این مقاله خارج است. جهت اطلاع بیشتر زمینه رک: علی رضا روزبهائی بروجردی، در جستجوی حقیقت(کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) پیشین، صص ۱۵۱-۱۸۰.

۴. نورالدین چهاردهی، چگونه بهائیت پدید آمد، آفرینش، تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، ص ۷۳. لازم به ذکر است آنها که اندک اطلاعی از بهائیت دارند صرف شعار بودن این ادعاها را دریافته اند. علاوه بر مطالب مذکور در مقاله ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست: بها و عبدالبهاء هردو برای تبیین حقوق زنان به قانون موجود در عالم حیوانات استناد کرده اند لکن اولی با استناد به برتری حیوانات ذکور برتری مردان را نتیجه گرفته (گلزار تعلیم بهایی، ص ۲۸۸) و دومی تساوی را. (خطابات حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۶۳) تعارض مسئله تحریم عضویت زنان در بیت العدل اعظم بهایی با مسئله تساوی حقوق زنان و مردان در بهائیت به گونه ای است که جناب شوقی افندی اذعان داشته: از آنجا که جناب عباس افندی فرموده اند حکمت این موضوع در آینده ظاهر خواهد شد، ما با اطمینان به صحت مطالب باید آنرا قبول کنیم ولی نمی توانیم برای فرو نشاندن اعتراضات حامیان نهضت زنان توجیهی ارائه دهیم. (جولای ۱۹۴۷) مع العصف رهبران بهائی اصرار دارند: نساء و رجال کل در حقوق مساوی به هیچ وجه امتیازی در میان نیست. (تعلیم گلزار بهایی، ص ۲۸۳) رک: سایت صفا، مقاله زن در بهائیت، بی نا.

تذکرات بسیار مهم:

جهت درک بهتر و آمادگی بهتر برای ورود در بحث، تذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد:

۱. نبوت مقامی انتصابی آنهم به نحو خاص از طرف باری تعالی است که یا از طریق وحی مستقیماً به رسول یا نبی ابلاغ نبوت یا رسالت می شود یا از طریق وحی به واسطه یک نبی دیگر. الله اعلم حیث يجعل رسالته. اما در بهائیت: اولاً: کاملاً زمینی بوده خبری از وحی نیست اگر چه ادعای وحیانی بودن دارند که مثل سایر ادعاها بی دلیل لذا باطل است.

ثانیاً: هنوز این ابهامات حتی بین بهائیان روشن نشده و پاسخ معقولی بدانها داده نشده است.

۱. پیامبر بودن و ادعاهای دیگر علی محمد شیرازی و همچنین حسینعلی نوری چطور ثابت می شود؟

۲. فرضاً علی محمد پیغمبر باشد، او جانشین معرفی کرد یا خیر؟ اگر معرفی کرده چه کسی را معرفی کرده است؟ یحیی، بها یا من یظهره الله که بعد از ۱۵۱ سال (به عدد حروف غیاث به حساب ابجد) یا بعد از ۲۰۰ سال به عدد مستغاث)؟

۳. آیا غیر از این است که بهترین-شاید تنهاترین- دلیل صحت ادعای نبوت و بهترین دلیل و قوی ترین محرک و عامل پذیرش این ادعا از طرف مردم، ارائه معجزه است؟ آیا آندو معجزه دارند؟

ثالثاً: فلسفه عصمت انبیا این است که اگر انبیا خطا کنند- از آنجا که مردم مأمور به تبعیت اند- مردم نیز در این امور وحیانی و دینی مرتکب خطا شوند که در این صورت نقض غرض الهی پیش می آید؛ آیا این فلسفه در بهائیت هم لازم است؟ آیا باب و بها معصومند؟

۴- علی رغم حرام دانستن تأویل، بازار تأویل در این مسلک داغ است اضافه بر تأویلاتی که در ص ۲۴ و ۲۵ ذکر شده نمونه هایی از دیگر تأویلات نیز ارائه می گردد:

۱. مقصود از سماء در کلمات نبویه سماء دیانت و سماء امرالله است. ۲- منظور از شمس و قمر نجوم در یک مقام، امر الله و اولیاد او در ظهور دیانت جدید است و در مقامی دیگر ارکان و احکام و فقههای دیانت سابقه است. ر.ک: گلیایگانی، فراید، پیشین، صص ۳۷۲-۳۷۳. ۳- اطلاق تلویحی «شمس» به مفهوم مظهر الهی به نقطه بیان (باب) از سوی بهار. ر.ک ایقان، چاپ مصر ۱۳۱۸ مطابق با ۱۹۰۰ م.

۴. منظور از لقاء لقاء جمال او (بها) ایقان، پیشین، صص ۱۴۲.

۱. جهت اكمال بحث در این زمینه ر.ک: علی رضا روز بهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) پیشین، صص ۱۳۷-۱۸۰.

۵- منظور از مشارق و مغارب مظاهر الهی و از بین رفتن آنهاست. ایقان، پیشین، ص ۳۶.

۶- اذا السماء انفطرت یعنی سماء ادیان که در هر ظهور مرتفع میشود و با ظهور بعد شکافته میشود یعنی باطل و منسوخ می‌گردد. ایقان، پیشین، ص ۳۷.

۷. تفسیر « ابرار » در آیه ۵ سوره دهر به بهائیان. ایقان، پیشین، ص ۳۵.

۸. منظور از الراسخون فی العلم من (بها) هستیم. ایقان، پیشین، ص ۱۵.

۹. تفسیر آیه یوم تبدل الارض غیر الارض (آیه ۴۸ س ابراهیم) به قلوب کسانی که بدون سواد خداوند به آنها علم لدنی داد. (منظور خودش و احتمالاً باب است) ایقان، پیشین.

۱۰- ارض و سماوات در آیه ۶۷ سوره زمر سماوات=سماوات ادیان، ارض=ارض معرفت و علم.

۱۱- آیه ۷۲ سوره الرحمن حور مقصورات= معانی ای که در غرفه های حکمت محصور گشته اند.

۱۲- آیه ۱۰ سوره دخان، دخان مبین یغشی الناس هذا عذاب الیم= آن حوادثی که برای امتحان مردم است مانند قتل موسی "ع" تغییر قبله داستان مریم «س»

۱۳- آیه ۷۴ الرحمن. سؤال=به معنای شناخت از روی سیمای آنهاست. وقتی نگاه به صورتشان می کنند همه چیز را می فهمند و نیازی به سؤال کردن به مفهوم مصطلح آن ندارند. ^۱ همه این تأویلات از ایقان، پیشین است. توجه کنید چطور آیات معاد را تأویل کرده است. وقتی معاد نیست چه کسانی از سیمای مردم همه چیز را خواهند فهمید؟ چرا میخواهند بفهمند؟

۵. طبق گفته بها سعادت فرد در گرو دو اصل است: ۱. عرفان یزدان ۲- عمل به اوامر و احکام نازل از سماء مشیت حضرت منان (منظورش خودش می باشد) چقدر از اقدس قابل فهم است؟ چقدر از آن معقول وم قابل عمل کردن است؟

در منابع اصیل و اولیه بهائی، باب و بها خدایند^۲ نه خدای واحدی که در ادیان اصیل (نه تحریف شده) معرفی شده است. گر چه این هم از اموریست که برخی از سران و مبلغان بهائی با توجیهاات و تأویلات سعی در اختفای آن دارند مثلاً شوقی افندی آیین بهاییت را معتقد به وحدانیت خداوند می داند.^۳ همه ادعاهای باب و بها را به سمع نظر می رسانیم قضاوت با خواننده گرامی.

۱. تمام تأویلات مذکور از ایقان، پیشین است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: اسلمنت، بهاءالله و عصر جدید، صص ۲۹-۳۰ و ایقان ص ۷۶.
۲. البته عده دیگری از بابیان و بهائیان هم ادعای الوهیت داشته اند مانند: طاهره و قره العین و قدوس ر.ک: bahaireserch.ir عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵)
۳. از راهنمای ادیان زنده، ج ۲، ص ۱۱۶۴ به نقل از: trust,1953:Shoghi effendi, guidance for tomorrow, London/Wilmette, il, bahai publishing ص ۴۰۳.

۶. در مورد امام دوازدهم «عج» در کتاب ماهیت باب و بهاء^۱ مطالب مهمی ذکر شده که نقل آنها ضروری به نظر میرسد: در سال ۳۲۹ ه.ق. امام زمان عج طی دست خطی به آخرین نایب خود علی بن محمد سیمری (سمری) پایان دوران نیابت خاصه و شروع غیبت کبری را اعلام و تاریخ ظهورشان را موکول به خواست و اراده خداوند و (آمدگی جامعه بشری) نمودند.^۲

متجاوز از ۱۳۰ آیه از آیات قرآن توسط پیامبر اکرم ص وائمه اطهار ع در رابطه با حضرت مهدی «عج» تبیین و تأویل شده است. تاکنون بیش از ۳۰۰۰ جلد کتاب درباره حضرت مهدی «عج» نوشته است. از جمله آنها کتابی درباره خصوصیات حضرت به نام منشور ولایت تألیف آیه الله سبحانی حفظه الله است که بدین صورت دسته بندی نموده اند:

عنوان موضوع	تعداد حدیث
۱. حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر است.	۳۸۹
۲. از فرزندان علی است.	۲۱۴
۳. از فرزندان فاطمه است.	۱۹۲
۴. نهمین فرزند از اولاد امام حسین است.	۱۴۸
۵. از فرزندان امام سجاد است.	۱۸۵
۶. از فرزندان امام حسن عسکری است.	۱۴۶
۷. دوازدهمین امام از ائمه اهل البیت است.	۱۳۶
۸. روایاتی که از ولادت حضرت گزارش میدهند.	۲۱۴
۹. عمر حضرت طولانی خواهد بود. ^۳	۳۱۸
۱۰. غیبت طولانی خواهد داشت.	۹۱

۱. ماهیت باب و بهاء، پیشین، ص ۱۲۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵ ص ۳۶۰ حدیث ۷.

۳. از آنجا که یکی از ایرادات این مسلک این مسئله است لازم است مطالبی ارائه گردد. در تورات ده ها نفر، در بین مسیحیان علاوه بر اعتقاد به طول عمر پیامبران و افرادی در قرون گذشته به طور عمر و زنده بودن حضرت عیسی ع نیز اعتقاد دارند و در قرآن طول عمر نوح ع قبل از طوفان ۹۵۰ سال ذکر شده (سوره عنکبوت آیه ۱۴) در سوره صافات آیه ۱۴۳ نیز بیان می کند که: اگر یونس ع از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت وی را در شکم ماهی نگه می داشتیم. ضمن اینکه دلیلی علمی بر محال بودن طول عمر وجود ندارد. ر.ک: مهدی کریمی: بهائیت از ادعا تا واقعیت، پیشین، ص ۱۶-۱۷.

۱۱. هنگام ظهورش اسلام جهان گیر خواهد شد. ۲۷

۱۲. حضرت زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۱۳۲

علی محمد شیرازی راجع به حضرت مهدی بارها اعتراف کرده^۱ خود را بنده حضرت معرفی مینماید. از جمله:

۱. حضرت امام حسن عسگری «ع» فرزندی به نام محمد دارد که دائم اسلام و صاحب الزمان است.^۲
۲. امام دوازدهم محمد بن الحسن العسگری است.^۳ اشراق خاوری از مبلغین بهائی به نقل از علی محمد جمله ای نقل می کند: من بنده امام دوازدهم محمد بن الحسن العسگری هستم.^۴
۴. اعترافات او در نوشته ای به نام ابلاغیه الف که ترجمه و خلاصه چند فراز از آن چنین است:
بعضی نسبت داده اند که من ادعای امامت و یا رسالت کرده ام خدا ایشان را به سبب این تهمت بکشد... عده ای دیگر نسبت بابیت به من داده اند خدا ایشان را لعنت کند. از برای حضرت بقیه الله بعد از نواب اربعه دیگر نایبی وجود ندارد و هر کس چنین ادعایی بکند برهمگان واجب است او را به قتل برسانند.
در این ابلاغیه وی همچنین صراحتاً می گوید: امام زمان محمد بن الحسن العسگری «ع» امام برحق و حجت خدا می باشد.^۵

۵-۲-۱-۱- ادعاهای علی محمد شیرازی:^۶

بابیت^۷

-
۱. اگر کسی بگوید این اعترافات را به زور از وی گرفته اند، در جواب میگوییم، فرضاً اینطور هم باشد اشکال وارد میشود که بها یکی از ادله حقانیت باب و صحت ادعایش را استقامت او و یارانش می داند. ر.ک: حسین علی نوری (بها) کتاب مستطاب ایقان، طبعت الموسوعات بباب الشعریه بمصر سنه ۱۳۱۸-۱۹۰۰ م. ص ۱۹۷.
 ۲. صحیفه عدلیه، ص ۲۷.
 ۳. بیان فارسی، بخش توضیح لغات و اصطلاحات، ص ۵.
 ۴. اشراق خاوری، ریحق مختوم، ج ۱، ص ۲۲ در بعضی چاپ ها ص ۳۴.
 ۵. فاضل مازندرانی، اسرار الاثر، ج ۱، صص ۱۷۹-۱۸۲.
 ۶. ادله! (بها در صحت ادعاهای باب. ۱. استقامت او ۲. غلبه سلطنت او در اندک مدت در همه سرزمین ها ۳. حکایت خیلی از صاحبان قلوب صافیه از او ۴. انتشار رشحات علمی از آن بحر علم لدنی که جمیع ممکنات را احاطه نمود با آنکه در جمیع بلاد علما و اعزه با اومقابله می کردند. ۵. همین ردو سب و لعن و اهل ارض بر او. ر.ک: ایقان، پیشین، صص ۱۹۷-۲۰۰
 ۷. در صحیفه عدلیه ص ۴۱ نام اهل بیت اطهار «ع» را آورده خویش را باب معرفی می کند حتی می گوید در اذان بگویند اشهد ان علی قبل نبیل باب بقیه الله. مبدا سال بهائی همین سالی بود که علی محمد ادعای بابیت کرد. طبق مقدمه صحیفه سجاده مبدا سال هجری را خدا توسط جبرئیل مشخص کرده است. به نقل از cd بهائیت، استاد مردانی، در این سال ۱۲۶۰ - که در این سال، بها ۲۸ ساله بوده که در پی تبلیغ نخستین پیروان باب، ملاحسین شرویه ای معروف به «باب الباب» در شمار نخستین گروندگان به باب درآمد. برادرش میرزا یحیی نیز بر اثر تبلیغ وی به این مرام (بابی) پیوست. ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، صص ۷۳۳-۷۳۴، به نقل از: نبیل زرنندی، صص ۸۵-۹۱ و حاجی میرزا کاشانی، مقدمه براون، ص لچ

(نیابت خاصه امام مهدی «عج»^۱)، بنده قائم، قائمیت^۲ رسالت و نبوت^۳ (البته عبدالبهاء نبوت و قائمیت باب را انکار کرده است)^۴، الوهیت (خدایی)^۵ و برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار.^۶

برخی از منابعی که به ادعای علی محمد اشاره کرده اند عبارتند از:

۱. ان علی قبل نبیل^۷ ذات الله و کینونته.^۸

۲. خطاب به صبح ازل (یحیی برادر بها و جانشین باب که خود بها هجده سال تابع و مرید او بوده است.^۹): «للثمره بسم الله الازل الازل انی ان الله لا اله الا انا الواحد الوحید انی ان الله لا اله الا انا الاحاد الاحید انی ان الله لا اله الا انا الصمد الصمید انی ان الله لا اله الا الفواد الفرید.^{۱۰}

۳. پس از این ادعای الوهیت میرزا حسینعلی بهاء الله آن را تأیید و تصویب کرده می نویسد: «همان حضرت باب که شما او را رب اعلی می دانید...»^{۱۱}

۴. عباس افندی نیز الوهیت شهودی دانسته آن را پذیرفته است.^{۱۲}

آنچه علی محمد شیرازی در این مقطع از بابیت تا قائمیت و از خاتمیت تا الوهیت به زبان آورده چیزی نیست که بدون تأثیرپذیری از مسلک های ضد دینی باشد.^{۱۳}

(عبدالبهاء مقام پدرش را «احدیت ذات هویت وجودی» خوانده است.) و قبر او قبله آنان شد. راهنمای ادیان زنده، ص ۱۲۰۶، به نقل از حاجی میرزا کاشانی، مقدمه براون، ص م ب.

۱. ر.ک: علی رضا روزبهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) پیشین، ص ۷۲. به نقل از عبدالحمید اشراق خاوری، رساله امر و خلق، ص ۵۵۳.

۲. همان، ص ۷۳، به نقل از: فاضل مازندرانی، ظهور الحق، ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳. همان، ص ۷۴ به نقل از علی محمد شیرازی، دلائل سبعة، ص ۲۹.

۴. ر.ک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، پیشین، ص ۲۱۵.

۵. فلاسفه غرب هم اوصافی برای خدا قائل اند که صدق آن اوصاف بر انسان محال است. ر.ک: محمد محمد رضائی و دیگران، جستارهایی در کلام جدید، سمت، قم، چاپ دوم، ص ۴۹.

۶. حسینی طباطبائی، سید مصطفی، دانشنامه جهان اسلام، دایره المعارف اسلامی، ج ۱، تهران ۱۳۵۷، ص ۱۹، به نقل از بیان عربی، ص ۱.

۷. نبیل به حساب ایجاد میشود محمد لذا منظور علی محمد است.

۸. سایب بهائی پژوهش، پژوهشی پیرامون بهائیت، مناظرات. دعوی الوهیت، به نقل از لوح هیکل، ص ۵.

۹. به نقل از CD بهائیت، استاد مردانی.

۱۰. بدیع، ص ۴۱۲.

۱۱. باقر نجفی، بهائیان، پیشین ۲۱۲.

۱۲. تاریخ صدر الصدور، ص ۲۰۷.

۱۳. علی امیر مستوفیان، رهبران ضلالت، مولف، تهران ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۴۸۸.

۵. «...هر چند حتی در زمان حیات خود باب نیز در رابطه با مسئله مرجعیت در دوران نهضت مشکل وجود داشت و تئوری های متأخر ظهور خداوند موجب شده بود تا عده ای به ادعاهای متضاد، نوعی الوهیت دست بزنند.»^۱

۶. «بابیت و بهائیت از جمله فرقه هایی هستند که در قرن ۱۹ بوجود آمده و رهبران آن مدعیات عجیبی از نیابت خاصه امام عصر گرفته تا قائمیت و رسالت و حتی خدایی یدک می کشند.»^۲

در [سال] ۱۲۶۴ باب ادعای ربوبیت کرد یعنی که پروردگار عالمیانم. «^۳ میرزا ابوالفضل گلپایگانی نیز با استناد به آیات "یوم یأتی ربک أو بعض آیات ربک" و "وجاء ربک و الملائکه صفا" مقام ربوبیت را برای باب ثابت می کند.»^۴

۵-۲-۱-۲- ادعاهای حسین علی نوری:^۵

۱. هیلنز، جان ر.، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالکریم گواهی، ج ۲؛ چ دوم، بوستان کتاب، قم ۱۳۸۶، ص ۱۱۵۶.

۲. ایام، ص ۴.

۳. همان، ص ۶۴.

۴. ابوالفضل محمدبن محمد رضا الجرفادقانی، الفرائد فی بیان وجوه اقسام الدلیل و البرهان وم جواب مسائل انتقد بها حضره الشیخ عبدالسلام علی اهل الایقان، قاهره ۱۳۱۵ ه ق. صص ۱-۲.

۵. میرزا حسینعلی دعاوی چندی داشت که هر کجا به تناسب موقع و مقام و شخص طرف خطاب، یکی از آنها را مدعی می شد. گاهی خود را مصداق «من هیچم و کم ز هیچ هم بسیاری» می دانسته و زمانی پا از اریکه الوهیت هم فراتر نهاده خویشتن را خدای خدایان و آفریننده پروردگاران می خوانده است. ر.ک: زاهد زاهدانی، سید سعید، بهائیت در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، تابستان ۸۱، ص ۱۰۸-۱۱۴.

عبد خدا، من یظهره الله^۱ مظهریت(هر چند در عباراتی مانند: «ذات ازلی ظهور یافته است، این مطلب به نظریه تجسد و حلول نزدیک می شود) ^۲، نبوت (آنهم ختم نبوت) ^۳، الوهیت ^۴، خالق خدایان، ^۵ در سایه ادعای الوهیت ادعای یفعل ما یشائی را می کند^۶ و در سایه آن ادعای قبله بودن^۷. اگر هم گفته شود که در زمان حیات شما قبله، متحرک است، در جواب گوید:

اگر بها درباره آب، حکم باده را صادر کند و درباره آسمان، چون زمین حکم کند و درباره نور مانند آتش فتوی دهد همگی درست است و شک در آن نیست و هیچ کس را نرسد که به آن اعتراض کند یا چون و چرا نماید.^۸

آدرس اسناد و مدارکی که استشمام بوی من یظهره الهی یا دعوی خدایی میرزا را مسلم و محرز کرده اند که مؤلف کتاب بهائیان به استناد به منابع بهائی آنها را جمع آوری کرده اند،^۹ عبارتند از:

۶...هفت سال پس از بازگشت مجدد به بغداد در باغ نجیب پاشا ادعای من یظهره الهی که در کتاب باب بود را کرد که اولین مخالف وی برادرش یحیی بود که بهائیان به وی لقب «اول من اعرض عن الله» دادند. ر.ک: الکوکب الدریه، ج ۱، ص ۲۵۷، ورحیق مختوم، ج ۱، ص ۱۹۶.
۲. راهنمای ادیان زنده، ج ۲، ص ۱۱۶۵.

۳. ایقان، پیشین، ص ۱۳۶.

۴. این جماعت [بهائیان] مدعی اند که در هر مذهبی شمه ای از حقیقت موجود است (پلورالیسم دینی) زیرا تمام انبیاء شاهد یک معنی و طالب یک حقیقتند و بهاءالله مظهر کامل آن حقیقت است. ر.ک ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، پیشین، ص ۷۹۱.
یکی از ادعاهای بهائیان هم همین است ولی قرائن مختلفی به چشم می خورد که خلاف آن نظر را می رساند. نمونه هایی از آن قرائن با نیم نگاهی به کتاب اقدس ذکر می گردد.

«ان اول ما كتب الله على العباد عرفال مشرق وحیه و مطلع امره الذی كان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بكل الخیر و الذی منع من اهل الضلال و لو یأتی بكل الاعمال.»

نخستین چیزی که خدا بر بندگان واجب فرموده شناخت کسی است که محل تابش وحی الهی و محل طلوع امر او قرار گرفته است یعنی همان که در عالم امر خلق به منزله خود او یعنی خداست! هر کس به این عرفان دست یافت به همه خیرها دست یازیده است و هر کی از این عرفان محروم شد یا خود را محروم ساخت از اهل گمراهی است.

مفهوم اولین عبارت کتاب مقدس بهائیان (کتاب اقدس) این است که همه گمراهند جز بهائیان توضیح مطلب و پنج اشکال وارد شده به این بیان میرزا حسینعلی در همان مقاله وارد شده که ذکرشان خارج از حوصله مقاله است. ر.ک.

Bahairesearch.Ir عناوین آخرین مقالات، نگاهی به کتاب اقدس، (پنج شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۶).

۵. قصیده ورقائه، مکاتیب، ج ۲، ص ۲۵۴ (کل الالوه من رشح امری تألهت و کل الربوب عن تفتح حکمی تربت)

یعنی همه خداها از قطره های کوچک فرمان من به خدایی رسیدند و همه پروردگاراها از زیادی و ریزش حکم من به ربوبیت نائل آمدند.

۶. اقدس ص ۲، چاپ بمبئی، سنه ۱۳۱۴ (الذی كان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق) و اشراقات، ص ۱۷، حق جل جلاله با علم یفعل ما یشاء (آمده)

۷. اقدس، ص ۳ و ۴.

۸. اشراقات، ص ۵۸.

۹. در بسیاری از منابع ادعای الوهیت آنها مطرح شده است. از جمله ر.ک: بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، مهر فام، تهران ۱۳۸۲، چاپ دهم، ص ۳۸۹. عزالدین رضانزاد، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۵۴۰ و ۵۴۵ به نقل از اشراقات، ص ۱۷۴.

۵-۲-۱-۲-۱-تصریحات حسینعلی میرزا:

مبین، ص ۲۸۶-۳۴۲-۳۰۸-۵۶-۲۱۰-۲۳۳-۴۱۷-۴۰۵-۴۸ و ۲۱.

مائده آسمانی، ج ۴، ص ۳۴۴ و «رساله ایام تسعه» ۵۰ همان، ص ۵۵.^۱

ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۳، همان، ص ۲۵، که از کلام میرزا در این کتاب معلوم می شود که ذکر زبان ایشان همیشه انا الله لا اله الا انا بوده است.

رساله ایام تسعه، ص ۵۰، همان، ص ۳۰۸، مجموعه مبارکه (از جمله زیارت نامه هایی که میرزا بها جهت بهائیان نوشته است)

ادعیه حضرت محبوب^۲، ص ۱۲۳، کتاب بهاءالله، ص ۲۴۰

بدیع، ص ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۴۱، ۱۵۴، ۲۳۲.

الالواح بعد اقدس، ضمیمه کتاب «اقدس»، ص ۷۶.

اشراقات، ص ۵۲.

الالواح بعد اقدس، ص ۹۹.

اقدس، ص ۳۸.

مکاتیب، ج ۲، ص ۲۵۴ (کل الالوه من رشح امری تألهت و کل الربوب عن تفتح حکمی تربت)

۵-۲-۱-۲-۲-تصریحات عباس افندی:

مکاتیب، ج ۱، ص ۲۲۵ و ۲۵۴

مکاتیب، ج ۲، ص ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۴ (تحت همین مطلب، مؤلف کتاب «بهائیان» با ارائه سند این مطلب را که عبدالبها هم داعیه خدایی در سرداشته را بیان می کند).

مکاتیب، ج ۱، ص ۵۰۴، ج ۳، ص ۴۰۴، ۲۰۷، ۲۶، ص ۳۰، ش ۸، ص ۶۲ خاطرات ۹ ساله، ص ۱۰۷، مائده آسمانی، ج ۳، ص ۶.

۱. (در دعای شب تولد بها: قیا حبذا من الفجر الذی فیہ استوی جمال القدم علی عرشه اسمه الاعظم العظیم وفیه ولد ولم یلد و لم یولد، ایام تسعه، اشراق خاوری، چاپ ۱۲۷، بدیع، ص ۵۰، به نقل از CD بهائدت، استاد مردانی)

۲. اللهم انی اسئلك من شعراتک (ریش هایت) التي يتحرك علی صفحات الوجه كما يتحرك علی صفحات الالواح قلمک الاعلی، ادعیه حضرت محبوب، ص ۱۲۳ به نقل از CD بهائدت، استاد مردانی.

۵-۲-۱-۲-۳-تصریحات مبلغان بهائی که مورد تصویب [تصویب] بهائیت است:

مجله اخبار امری، نشریه محفل ملی بهائیان ایران، سال ۱۳۴۹، ش ۱۴، ص ۴۰۶.

بهبه الصدور، ص ۳۳۹.

گنجینه حدود واحکام، ص ۴۰۲، «بهاءالله»، ص ۱۰، تذکره شعرای بهائی، ج ۳، مقدمه نقطه الکاف، تنبیه النائمین، ص ۷۳، دروس الدیانه، درس ۱۹، (منظور از اسم اعظم طبق تصریح قائنی در همین کتاب، ص ۷، میرزا حسینعلی بهاست)

مجله اخبار امری، نشریه محفل ملی بهائیان ایران، شماره ۶، مهر ماه ۱۳۸۲.

لازم به ذکر است که بهائیان به ظاهر می گویند ادعای بها رجعت مسیح «ع» و رجعت حسین «ع» است ولی در حقیقت ادعای او ادعای الوهیت است.^۱ یکی از نجات یافتگان چنین می گوید: «بهائیان خدا را به فرمان خود بها^۲ به نام بها می پرستند. و بها و باب را پیامبران خدا و صاحب زمان می دانند و بها را به اندازه خدا و گاهی فراتر از خدا می پرستند. همه دعا و نیایش و راز و نیازشان خطاب به بها و عبدالبهاست.^۳

۵-۲-۱-۳-جواب بهائیان از اشکالات:

بها می گوید: هر چه ادعا کنیم از الوهیت، ربوبیت، نبوت، رسالت، امامت، ولایت و عبودیت همه حق است چون ما مظهریم.^۴ و هر چه ما گفتیم ولو مخالف فهم علما و کتاب باشد کسی حق چون و چرا ندارد چون ما معدن علمیم.^۵

خواندن کتابهای ضد بهائیت برای بهائیان به شدت ممنوع است. در جواب شبهات گاهی این طور جواب می دهند که کافی است که ما فقط جمال مبارک «میرزا حسینعلی» را بشناسیم و از عشق او سرمست شویم. آفتاب آمد، چه دلیلی بهتر از این؟ بهائیان را فقط عاشق (عاشق بهاء و عبدالبهاء) بار می آورند نه عاقل.^۶

اگر بها درباره آب، حکم باده را صادر کند و درباره آسمان، چون زمین حکم کند و درباره نور مانند آتش فتوی دهد همگی درست است و شک در آن نیست و هیچ کس را نرسد که به آن اعتراض کند یا چون و چرا نماید.^۷

۱.ر.ک: عزالدین رضا نژاد، فصلنامه علمی- تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۵۴۳، به نقل از کشف الحیل مرحوم آیتی ج ۱، صص ۵۵-۵۶.

۲. حسینعلی این اسم را از دعای سحر گرفته است. ر.ک: احمد زمردیان، معارف الهی (شرح دعای سحر، کتابفروشی شفیع، شیراز، ۱۳۵۵، ص ۳۲، یحیی هم اسم صبح ازل راز حدیثی از امیرالمومنین گرفته است. ر.ک: اعتضادالسلطنه، فتنه باب، پیشین، ص ۲۰۵.

۳. مهناز رئوفی، سایه شوم، پیشین، ص ۱۷

۴. ایقان، پیشین، ص ۱۵۱.

۵. همان، ص ۱۵۲.

۶. همان، صص ۴۹-۵۱ در مسیحیت نیز آنگاه که از تبیین عقلانی تثلیث عاجز می گردند می گویند ایمان بیاور تا بفهمی!

۷. اشراقات، ص ۵۸.

یکی از دستورات تشکیلات بهائی این است که اگر از علت بهائی شدن سؤالی از شما کردند بگویند تفتیش عقاید ممنوع و حق بحث کردن ندارید و از دین نباید حرفی بزنید در حالی که در تبلیغ دینشان این شعار را سر نمی دهند.^۱ در توجیه اشکالات می گویند: برای امتحان ماست.^۲

با استناد به "مظهریت" دو پاسخ به شبهه الوهیت بها داده شده است: آنها در این سناریو این چنین مقدمه چینی می کنند:

۱. مقام حضرت بهاءالله در چنان رتبه ای است که کسی نمی تواند به آن پی ببرد؛

۲. ما چون نمی توانیم خدا را بشناسیم: «بنابراین حضرت بهاءالله کسی هستند که در عالم امر و خلق به جای خدا هستند.»

۳. بنابر نص کتاب اقدس^۳: «ان اول ما كتب الله على (العباد را شما جا انداخته اید) عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی كان مقام نفسه فی عالم امر و الخلق.....» یعنی نخستین چیزی که خداوند برای بندگان واجب فرموده است، شناختن مشرق وحی و مطلع امر است که مقام خود خدا در عالم امر و خلق است؛

۴. حضرت بهاءالله در عالم امر و خلق خداست ولی در عالم حق خدا نیست.

در مورد مقام حضرت بهاءالله استغفار لازم است زیرا خلق به عالم پی نبرد زیرا رتبه او بالاتر است و ما پایین تر همان طور که امر نمی تواند به عالم حق و ذات لایدرک پی برد.

یکی از اصول بهایی این است که هیچ رتبه ای نمی تواند رتبه ما فوق خود را ادراک کند.^۴ نبات به ادراک حیوان نمی رسد، حیوان به ادراک انسان و به همین ترتیب انسان هم نمی تواند به ادراک مظهر امر الهی برسد و مظهر امر نیز نمی توان به ادراک خدا برسد. حضرت محمد نیز می گویند: «ما عرفناک حق معرفتک» تو را آن طور که حق شناختن توست نشناختیم (کتاب اربعین از شیخ بهایی) در نتیجه ما هم نمی توانیم مظاهر امر الهی را بشناسیم و هر چه بگوییم خطا کرده و گناهکاریم.^۵

در استدلال دیگر چنین آمده :

۱. همان، ص ۲۱.

۲. صبحی، پیام پدر، نسخه الکترونیکی، ص ۱۵-۱۶.

۳. مهمترین کتاب فقهی بهائیان است که نزول کتابت آن در اواخر سال ۱۲۸۷ یا اوایل ۱۲۸۸ ه ق بوده و محل نزولش در بیت عبود بوده است. اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، (نسخه الکترونیکی)، ص ۱.

۱. مکاتیب، جلد ۳ و همچنین در کتاب مفاوضات، به نقل از bahaireserch.ir عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۲. bahaireserch.ir عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

ادمین محترم سایت ساغر که نهایتاً مغلوب شده بودند بالاخره با عصبانیت اعلام کردند که بله ما حضرت بهاءالله را خدا می دانیم. سه عالم داریم، عالم خلق، عالم حق و عالم لایدرک. حضرت بهاءالله خدای عالم خلق و حق هستند و عالم لا یدرک متعلق به خداوند قادر غیر قابل درک است وحتی مظاهر ظهور هم قادر به درک آن عالم نیستند!^۱

در مورد معنای خاتم النبیین، مقصود حضرت از آن حدیث (البته آیه است) نشان دادن ترقی امت اسلامی و افضلیت ائمه هدی از انبیاء بنی اسرائیل است.^۲ و توجیهاات دیگر.^۳

۵-۲-۱-۴-پاسخ:

با آنکه باب و بها تأویل را حرام می دانند^۴ علما و مبلغین بهائی و خود باب و بها بسیار تأویل و توجیه نموده اند. شاید یکی از ادله اینکه بهائیت را آیین تضاد و متناقض می نامند همین امر باشد.^۵

در مورد مظهریت بها می گوید: مظهری اعظم از انبیاء نبوده و حجتی هم اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده^۶ و علت صحت ادعاهایش را همین مظهریت دانسته است. مبلغین بهایی هم در توجیه ادعاهای باب و بها مخصوصاً در مورد ادعای الوهیتشان به همین مطلب پناه آورده اند^۷ چند سؤال:

۱- چه کسی می تواند چنین ادعایی کند؟ نشانه ها و ادله صحت ادعا چیست؟ آثار وجودی و اعمال و رفتار شخصی که ندای انا الحق سرمیدهد با ادایش باید با هم لحاظ شود که آیا سنخیتی بین مدعی و مدعی هست یا خیر؟ یا به عبارتی آیا مقام فنا بالاتر است - اگر رسیده باشد واقعا- یا مقام بقاء بعد الفناء؟

۲- فرضاً بها مظهر باشد در صورت تعارض بنیادین گفته های وی با مظهران دیگر - به گفته خود بها- علی محمد شیرازی در مورد جانشینی یحیی یا مثلاً دستور باب به آتش زدن همه کتب غیر از بیان^۸ یا حتی با گفته های

۱. سایت بهائی پژوهی، عناوین آخرین مناظرات، دعوی الوهیت، پنج شنبه خرداد ۱۳۸۷.

۲. گلپایگانی، فرائد، پیشین، ص ۳۱۲.

۳. بها مباحثی مانند خاتمیت پیامبر «ص» را -العیاذ بالله- مزخرف دانسته می گوید: معنای آنرا «الراسخون فی العلم» منظورش خودش است- می داند. ایقان، پیشین، صص ۱۷۹-۱۸۳.

۴. ر.ک: مهدی کریمی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، ص ۵۶ (در نسخه الکترونیکی بقیه آدرس کتاب ذکر نشده است) به نقل از: علی محمد . بیان فارسی، ص ۲۰۱: "اذن نیست از برای احدی که تفسیر کند به آنچه در بیان نازل شده". در کتاب گنجینه حدود و احکام بخش مستقلی تحت عنوان در نهی از تأویل کلمات الهیه مذکور است.

۵. گلپایگانی مطالب کتب مقدسه الهیه را به سه دسته احکام و شرایع و سنن، ذکر حوادث ماضیه و ذکر حوادث آتیه تقسیم کرده تاویل را درقسم آخر جایز می داند. ر.ک: گلپایگانی، فرائد، پیشین، صص ۳۵۳-۳۵۴. اگر چه فهم معانی آیاتی که ذکر حوادث آتیه میکنند را خارج از توان همه مردم و علما و فلاسفه دانسته با استناد به آیات و روایاتی مختص امی غیر متأهلی که نازل از حضرت احدیت است و نیز قائم موعود میدانند. ر.ک همان، ص ۳۶۱.

۶. ایقان، پیشین، ص ۱۷۲

۷. bahaireserch.ir. عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵).

۸. باب، بیان فارسی، ص ۱۹۸.

خودش در موارد متعدد و از همه مهمتر در تعارض با فرمایشات انبیا- که به قول بها مظهری اعظم از آنها وجود ندارد - تکلیف چیست؟

۳- حد ادعای یک مظهر کجاست؟ آیا مظهر می تواند ادعای خدای خدایان و خالق خدایان کند؟

جلوه خدا در این سخن را لطفاً بفرمایی یعنی چه: همه معبودها از ترشح امر من معبود شده‌اند و همه خدایان سرریز و زیادی امر من خدا شده‌اند، جلوه خدا را در این سخن توضیح دهید.^۱

اما پاسخ دو توجیه الوهیت با تمسک به "مظهریت":

آنها از یک سو از اقدس نقل می کنند که نخستین چیزی که بر بندگان واجب است شناخت بهاءالله است و از سوی دیگر از این که بهاءالله را بشناسند استغفار می کنند!^۲

جواب استدلال دوم: ۱. اگر آن عالم قابل درک نیست چگونه کشف شده و چگونه فهمیده اند که غیر قابل درک است. خود این فهمیدن هم نوعی درک است. ۲. مخالف توحید است؛ ۳. مخالف گفته خود باب و بها است.^۳

در مورد ادعای رجعت حسین ع از سوی بها، خواهرش (عزیه خانم) ضمن بیان برخی از جنایات بهائیان، چنین می گوید:

«...چنان که بعضی از مؤمنین دین بیان، عدول کرده این بیت را انشاء نموده در محافل می خواندند و می خندیدند:

اگر حسینعلی، مظهر حسین علیست هزار رحمت حق بر روان پاک یزید!^۴

و می گفتند که ما هر چه شنیده بودیم حسین «ع» مظلوم بوده است نه ظالم.»^۵

در مورد ادعای من یظهره الهی بها ذکر مطالب ذیل مکفیست:

ادعای من یظهره الهی در پنج اثر از بابیان^۶ به دلایل زیر باطل دانسته شده رد گردیده است:

۱. bahaireserch.ir. عناوین آخرین مناظرات، حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵)

۲. همان.

۳. سایت بهائی پژوهی، عناوین آخر مناظرات، دعوی الوهیت، پنج شنبه خرداد ۱۳۸۷.

۴. این شعر را شخصی معروف به سید عبادوز در داستان استخدام چاقوکش ها توسط حسینعلی برای کشتن پیروان یحیی سروده است که بعدها سید عبادوز نیز از بهائیت عدول کرده شیعه می شود. این شعر در بسیاری از منابع ذکر شده از جمله بهائیت چگونه پدید آمد، ص ۲۸۹.

۵. مصطفی حسینی طباطبایی، ماجرای باب و بهاء، پیشین، ص ۱۵۲، به نقل از تنبیه النائمین، صص ۱۵-۱۶.

۶. رساله علی محمد اصفهانی، رساله ملا رجبعلی قهیر، تذکره الغافلین، محمد جعفر نراقی، نامه های سید محمد اصفهانی ملقب به «ابا وحید» در رد ادعاهای بها و رفتار و کردار او که میرزا مصطفی کاتب بابی آنها را به صورت یک جلد درمی آورد. و رساله تنبیه النائمین اثر عزیه خانم، خواهر بزرگ میرزا حسینعلی جالب توجه است که همگی نویسندگان مذکور بجز عزیه خانم- که رساله اش در شناخت میرزا حسینعلی اهمیت بسزایی دارد به قتل رسیدند و نمی توان باور کرد که میرزا حسینعلی از این کشتارها بی خبر بوده مخصوصاً با توجه به نوشتار عباس افندی در

۱. آنگاه که باب، اذن طهارت نطفه را صادر کرد، میرزا حسینعلی [سنی] در حدود ۳۲ سال داشته بنابراین او نمی توانسته پیامبر موعود باب یا من یظهره الله باشد.

۲. آنگاه که محمدعلی دستور صادر کردند که کودکان را توییح نکنید و بعد از بلوغ هم بیش از پنج ضربه خفیف بر آنها نزنید مبادا که من یظهره الله در میان ایشان باشد و دردمند و اندوهناک شود، میرزا حسینعلی دو سال از خود باب هم بزرگتر بود پس او نمی تواند من یظهره الله باشد.

۳. علی محمد توقیعی نوشت و دستور داد تا آن را در مکتب خانه ها بیاویزند تا مگر من یظهره الله آن را بخواند. قسمتی از ترجمه توقیع:

« واین کتابی است از سوی خدای گواه و کارگزار به سوی خدای چیره و دوست داشتنی (با این پیام) که کتاب بیان و هر چه در آن است هدیه‌ای از طرف من به تو می باشد در حالی که من یقین دارم که هیچ معبودی جز تو نیست.»!

علی محمد هنگامی این سخنان را نگاشته که حسینعلی مردی ریش و سبیل دار بوده و به ادعای خودش، حتی در کودکی هم به مکتب خانه نرفته است! پس ادعای من یظهره اللهی از سوی وی دروغی آشکار است.

۴. علی محمد به یحیی وصیت کرد که بعد از من آیاتی که خدای تو بر قلبت القا می کند را برخوان که تذکارتی از سوی خدا بوده و او همان (خدای) گواه و کارگزار است.^۱

از سوی دیگر یحیی اولین تکذیب کننده میرزا بود پس چطور می تواند موعود کتاب بیان باشد در حالی که تکمیل کننده کتاب بیان او را کاذب شمرده است؟

مؤلف کتاب گرانسنگ بهائیان در این زمینه چنین نویسد:

رساله خود به عمه اش عزیزه خانم می نویسد: « (پدرم) با وجود اینکه وحید و فرید بود ناصر و معینش معدود ضعیف، زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق [آن دسته از بابیان که از حسینعلی رویگردان شدند] را همیشه خائف و هراسان داشت. سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمه شب جرأت مذمت نمی نمود و جسارت بر شناخت نمی کرد. » (مکاتب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۱۷۷.)

البته مجوز بهائیان هم شاید این سخن میرزا حسینعلی باشد که در لوح احمد گفته: « کن کشفه النار لاعدائی! با دشمنان من، همچون شعله آتش باش.»

۱. ر.ک: آخر بیان، فراسی، ص ۳۳۰، به نقل از « پژوهشی نو و مستند درباره بهاییگری (ماجرای باب و بها) مصطفی حسینی طباطبایی. شیوه برخورد بهائیان با افکار مخالفان خودشان برای کسانی که در این زمینه اندک مطالعاتی داشته باشند روشن است. گوشه ای از آنها ذکر شد و نمونه ای از برخورد فعلی آنها تحریم سایت بهائی پژوهی از سوی سران بهائیت است (سایت بهائی پژوهشی، عناوین آخرین مقالات، جرم بهائی پژوهی چیست؟)

«دانستیم که حسینعلی میرزا و مریدان بهائیش، نه تنها هیچ گونه دلیلی مبتنی بر شواهد و نصوص موثق جهت اثبات دعوی من یظهره اللهی ارائه ندادند بلکه با محو آثار و جعل مدارک این عدم تجانس میان «بیان» و «بها» را دو چندان کردند و بر اثر منازعه «من یظهره الله ها» خدایع مستور کشف و فجایع منفور هویدا گشت.»^۱

اعترافات باب و بها به خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله:

۱- علی محمد شیرازی (باب) در مورد اسلام می گوید: این شریعت مقدسه نسخ نخواهد شد بل حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه.^۲

۲- اشراق خاوری در توضیح آیه ۴۰ سوره احزاب (ما کان محمد أباً أحد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما) از قول میرزا حسینعلی (بها) می نویسد که: رسالت و نبوت به وجود حضرت محمد ختم گردیده است.^۳ و پاسخ های دیگر.^۴

۵-۲-۲-معاد

آنچه از بررسی منابع بهائی به دست آمده^۵ این است که: از آنجا که معاد را موهوم میدانند، فقط معنای تأویلی آن را که قبلاً ذکر شد را مطرح کرده قبول دارند.

۵-۳-ادله چهارگانه بهائیان و انتقادات وارد بر این ادله:

قبل از پرداختن به بحث فوق تذکر چند مطلب ضروری است:

۱. خلاصه پنجاه کتاب مهم عقیدتی و احکامی بهائیت به همراه نقد آن مطالب، در کتاب با ارزش «محاكمه و بررسی باب و بهاء» به قلم ح.م.ت. در یک جلد موجود است؛

۲. از دیگر کتبی که برخی از عقاید و سخنان و سوابق باب و بها را از چهل و شش مأخذ بابی و بهائی نقل و سپس انتقاد می کند، کتاب ماجرای باب و بهاء نوشته مصطفی حسینی طباطبایی می باشد؛

۳. قوی ترین ادله ای که در دفاع از مسلک بهائیت نوشته شده کتاب فرائد ابوالفضل گلپایگانی است. گر چه تبری وی از مسلک بهائیت^۶ در واقع تبری از آن کتاب نیز هست لکن برخی از ادله مطرح شده را بررسی می کنیم چرا

۱. سید محمد باقر نجفی، بهائیان، مشعر، قم ۱۳۸۲، ج اول، ص ۴۰۱.

۲. صحیفه عدلیه، ص ۵، به نقل از ماهیت باب و بهاء. ص ۱۴ (در نسخه الکترونیکی بینا، تا وجاست) WWW.KRBAHAIAT.BLOGFA.COM

۳. عبدالحمید اشراق خاوری، ریحیق مختوم، ج ۱، ص ۷۸ و قاموس توقیع، ج ۱، ص ۱۱۴، به نقل از ماهیت باب و بهاء. پیشین، ص ۱۴.

۴. ر.ک: محلاتی، گفتار خوش یارقلی، پیشین، صص ۱۳-۱۵. و ر.ک مهدی کریمی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، پیشین، صص ۱۲، ۱۳ و ص ۴۷.

۵. سی و چهار منبع را تماماً بررسی کردم، حاصل بررسی های دیگر محققین را که جويا شدم نیز به همین نتیجه رسیده بودند.

۶. در چاپ جدید سه جلدی، نام مؤلف علامه مصطفوی درج شده است.

۷. ر.ک: صبحی، صص ۳۰۴ و ۳۰۶. و نورالدین چهاردهی، بهائیت چگونه پدید آمد؟ پیشین، ص ۲۶۶ به نقل از کشف الحیل، ج ۳، ص ۲۴۳ و (بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، پیشین، ص ۴۰۳، می نویسد گلپایگانی دلیلی بر حجیت بهائیت نیافته است.)

که با رد و تضعیف ادله، مدعا (حقانیت مهدویت باب و پیامبری باب و بها) نیز تضعیف و رد خواهد گردید و در این زمینه از آنجا که این کتاب کمیاب است مختصری از برخی از بررسی های صورت گرفته را نقل می کنیم:

۱. آیات قرآن؛ ۲. روایات اسلامی؛ ۳. دلیل تقریر؛ ۴. دلیل معجزه

۵-۳-۱- استدلال به آیات:

۱. آیا انتظار آنان جز این است که خدا و ملائکه (سوار) بر پاره های ابر سفید به سوی آنان بیاید؛^۱

استدلال: معنی آیه اینست که مردم انتظار نمی کشند مگر این را که خدا با ملائکه بر روی پاره های ابر بیاید و چون آمدن خداوند محال است لابد مقصود از آیه آمدن مظاهر خدا است و مظاهر جز علی محمد باب و حسینعلی بها کس دیگری نیست.

پاسخ: آیه مذکور در توبیخ کسانی است که هر چه ادله و معجزه از طرف پیامبران برای آنها نمایان می شد باز انکار می کردند تا آنجا که از موسی «ع» درخواست کردند تا خدا خود را به بنی اسرائیل طوری نشان دهد که آنان با چشم ظاهری خدا را ببینند آیه هم می گوید لابد منتظرند خدا با ملائک سوار بر ابر برای هدایت اینها بیاید البته این کار غیر ممکن است.

این چه ربطی به مدعای گلیپایگانی دارد؟ در حقیقت او برای اثبات ادعای پیامبری تمسک به ادعای دیگری کرده نه تمسک به دلیل، یعنی اینکه از او پرسیده شد چرا باب و بها پیامبرند؟ او می گوید به دلیل این که مصداق آیه اند و مصداق این آیه بودن خود ادعای دومی است نه دلیل بر ادعای اول.

۲. گوش کن در روزی که ندا کننده از مکان نزدیکی ندا می کند. روزی که فریاد را می شنوند به حق آن روز خروج است؛^۲

استدلال: مفسرین از اهل تسنن و اهل تشیع متفقا در تفسیر این آیه فرموده اند که ندای الهی از صخره بیت المقدس بلند می شود یعنی از جبل کرم که در تورات به جبل مقدس و جبل بیت الله از آن تعبیر شده است.

پاسخ: اولاً: هیچ روایتی و در خود آیه قرینه ای در مورد این که مراد از «مکان قریب» صخره بیت المقدس باشد، وجود ندارد.

ثانیاً: این که همه مفسرین «مکان قریب» را آن طور تفسیر کرده اند واقعیت ندارد. اکثراً در تفسیر «مکان قریب» گفته اند: مکان خاصی نیست بلکه کنایه از این است که صدای منادی مذکور در آیه بر هیچ کس مخفی نخواهد ماند و همه آن را طوری خواهند شنید که هر کس در هر کجا که باشد می پندارد که این صدا از همان نزدیکی

۱. بقره ۲۱۰.

۲. ق/۴۱.

می آید. عده دیگری از مفسرین هم گفته اند مراد از ندا در این آیه صدایی از جانب آسمان است که قبل از ظهور مهدی موعود عج واقع می شود و نام آن حضرت و پدرش را فریاد می کند.

ثالثاً: برفرض که از بین ده ها مفسر، یکی همان قول میرزا را بگوید یا اصلاً همه مفسرین بگویند؛ این مطلب چه ربطی به جبل کرم و شهر عکا که گلیپایگانی می گوید دارد؟ صخره بیت المقدس سنگ معروف بزرگی است در مسجد بیت المقدس در شهر قدس، ما نمی دانیم چطور میرزا این صخره را تبدیل به کوه کرده و آن راهم از قدس به شهر عکا برده است؟

۳. یَوْمَئِذٍ يُؤْفِيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ؛ در آن روز خداوند مکافات و جزای آنان را که براساس حق است به طور کامل خواهد داد و آنان می دانند که همانا خداوند حق آشکار است.^۱

قبل از بیان استدلال لازم است متذکر شویم که عقیده بابی ها و بهائی ها اینست که مهدی موعودی که در روایات وعده آمدن او داده شده است دارای دین مستقل و جدید و کتاب و سنت جدیدی غیر از قرآن و اسلام است و به همین دلیل هم ادعای مهدویت و ادعای پیامبری باب را دو ادعا نمی دانند چون می گویند مهدی در واقع یک پیامبر جدید است.

که ما در بررسی استدلال گلیپایگانی به روایات این مسأله را بررسی خواهیم کرد.

قبل از بیان استدلال لازم است متذکر شویم که عقیده بابی ها و بهائی ها اینست که مهدی موعودی که در روایات وعده آمدن او داده شده است دارای دین مستقل و جدید و کتاب و سنت جدیدی غیر از قرآن و اسلام است و به همین دلیل هم ادعای مهدویت و ادعای پیامبری باب را دو ادعا نمی دانند چون می گویند مهدی در واقع یک پیامبر جدید است. که ما در بررسی استدلال گلیپایگانی به روایات این مسئله را بررسی خواهیم کرد.

استدلال: واین جمله صریح است براین که چنین ظهور عظیمی، مقام او مقام نیابت و خلافت و امامت نیست بل ظهور کلی است و مقام شاریعت و سلطنت الهیه و با این که در مقام بیان موعود، همین آیات و القاب عظیمه کافی بود.

معذک از برای اعدام و تنصیب براین که دراین یوم عظیم دیانت متجدد خواهد شد و شریعت جدیدی ظهور خواهد نمود این آیه مبارکه نازل شد یعنی در آن روز حق جل جلاله دین حق را وافیاً (یعنی به طور کمال) به خلق عنایت خواهد فرمود واین در غایت وضوح است که مقصود از این دین که درآیه کریمه وعده فرموده است که به خلق عنایت کند دین اسلام نیست زیرا که دین اسلام در ظهور حضرت رسول «ص» وافیاً نازل شد و آن حضرت کاملاً به خلق ابلاغ فرمود بل مقصود شریعت جدیدی است.

پاسخ: اینجا هم [مثل مورد اول و خیلی موارد دیگر] از جاهایی است که اگر این آیه به همراه دو آیه قبلش دیده شود معلوم می شود که معنای آیه آن طور که او می گوید نیست ترجمه دو آیه قبل با این آیه:

کسانی که به زنان با ایمان پاکدامن بی اطلاع (از فحشاء) نسبت زنا می دهند در دنیا و آخرت معلون (و محروم از رحمت حق) بوده و برای آنان عذابی بزرگ است. روزی که زبان، دست ها و پاهای آنان بر ضد ایشان به آنچه انجام می دادند گواهی دهد. در آن روز خداوند مکافات و جزای آنان را که براساس حق است به طور کامل خواهد داد و آنان می دانند که همانا خداوند حق آشکار است.

پس اشکال وی آنست که بین معنای مختلف دین، «کیش و آیین» را گرفته در حالی که در اینجا هم مالکِ یومِ الدِّین به معنای «جزاء» است.

۴. و اگر به دروغ برخی سخنان بی پایه و اساس را به ما می بست حتما ما او را با دست قدرت خود می گرفتیم سپس رگ حمایتش را قطع می کردیم و هیچ یک از شما قادر به دفاع از او نبودید و این قرآن حقیقتا موجب تذکر پرهیزکاران است.^۱

استدلال: حالا که خدا رگ حیات باب که هفت سال و بها که چهل سال کتابهایی نوشتند و الواح صادر می کردند و صریحا می گفتند اینها کلمات خداست و به غیر اذن او تکلم نمی کنیم پس معلوم می شود گفته های اینان برحق بوده است.

پاسخ: [باز هم به آیات دیگر رجوع نکرده] به استناد آیات قرآن مراد شخص پیامبر «ص» است. شامل دیگران نمی شود. زیرا در مورد دیگران قرآن می گوید:

ما آنهایی را که به خدا افترا بیندند و شرک بورزند تا روزی که در آن چشمها به عبرت و حسرت بنگرند، مهلت می دهیم. ^۲ و نباید بپندارند که این مهلت به سود آنهاست و براساس این آیه نه فقط باب و بها و ده ها مرد دیگر که به دروغ ادعای خدایی و پیامبری می کردند مهلت یافتند که صدها ظالم و ستمگر مثل حجاج بن یوسف ثقفی هم مهلت یافتند. دیری است که این فلسفه که پیروز مساوی با حق است و شکست خورده مساوی باطل از هم تنیده است. [این استدلال میرزا گلپایگانی مثل استدلالی است که یزید در مقابل زینب «س» در جوابش جمله ای گفت با یک دنیا معنی، «ما رأیت الا جمیلا» من در کربلا جز زیبایی ندیدم.]

۵-۳-۲- استدلال به روایات:

۱. روایاتی که در آنها گفته شده مهدی موعود با امر تازه و کتاب جدید و راه و روش نو و شیوه قضاوتی جدید قیام میکند. گلپایگانی ضمن ذکر این روایات در صص ۲۹۵-۲۹۷ فرائد می گوید این روایات به روشنی دلالت می کنند

۱. حاقه/۴۵-۴۱.

۲. الل عمران/۱۷۷ و ۱۸۸.

که مهدی موعود مقام پیامبری خواهد داشت نه اینکه تابع دین و پیامبر دیگری باشد زیرا دارای کتاب نو است که ناسخ قرآن است و دارای سنت و دین جدید که ناسخ سنت پیامبر اسلام و دین آن حضرت است.

پاسخ: این روایات را از بحارالانوار نقل کرده در حالی که علامه مجلسی در همین کتاب صدها^۱ روایت نقل کرده که همگی آنها دلالت دارند بر این که مهدی موعود و قائم «عج» نیز مانند یازده امام قبل از خودشان جز مقام صیانت و خلافت پیامبر «ص» مقام دیگری نخواهد داشت. در همین روایاتی که گلیپایگانی به آنها استدلال کرده همین مطلب ذکر شده و مطالبی درباره مهدی موعود گفته شده که به هیچ وجه برباب و بها تطبیق نمی شود! خود باب هم اعتراف کرده آنجا که به دالگورکی می گوید من چطور ادعای امام زمانی بکنم من که حتی نام مهدی و نام پدرم حسن نیست. که دالگورکی شرابی به او خوراند می گوید من و تو فقط انکار نکن. پول از من ادعا از تو!.^۲

حضرت مهدی «عج» احیاگر دین رسول الله است نه متجدد دین دیگری. بر این مطلب روایات [عدیده ای] که نام ائمه «ع» و به ویژه اوصاف حضرت مهدی «عج» را بیان می کند شهادت می دهند.

۲. روایاتی که دلالت بر جوان بودن حضرت مهدی موعود عج هنگام ظهور می کنند آنها که ظهور باب را انکار کردند به خاطر این بود که او را پیرمردی هزار ساله می دانستند [در حالی که روایت تصریح دارد او جوان خواهد بود و علی محمد هم جوان بود پس خودش بود].

پاسخ: باز هم روایت را ناقص آورده به همان مقدار که تاحدودی با ادعای خودش مطابقت دارد می آورد و از ذکر بقیه روایات خودداری می کند. طبق احادیث، آن حضرت با سن بالا ولی قیافه کمتر از چهل سال ظهور میکند علاوه بر این که در همان روایات اوصاف دیگری برای مهدی موعود «عج» ذکر شده که حتی یکی از آنها هم بر علی محمد صدق نمی کند.

آیا علی محمد فرزند نهم امام حسین «ع» است؟ و با نه واسطه نسلش به آن حضرت منتهی می شود؟ آیا آن چنان که وارد شده حضرت عیسی «ع» پشت سر باب نماز خواند؟ عمرش طولانی بود؟ ولادتش مخفی بود؟ بعد از ظهورش صلح جهان را گرفت یا دو جنگ جهانی؟ آیا بیعت هیچ سلطانی طاغی بر گردن او نبود یا این که به عکس همیشه از دست حکومت در فشار و فرار بود و در نهایت هم به دست حکومت گرفتار و اعدام شد؟^۳ و ده ها علامت دیگر.^۴

۱.

۲. ر.ک: صبحی، صص ۶۸-۶۹.

۳. به دستور صدراعظم با لیاقت ناصرالدین شاه، امیرکبیر اعدام شد. در مورد جسدش از بین اقوال، احتمال خوراک وحوش و درندگان شدنش راعده ای اقوی می دانند. ر.ک: اعتضاد السلطنه، فتنه باب، بابک، تهران [۱۳۵] چاپ دوم، ص ۱۴۶.

۴. فهرست منابع شیعی که در آن روایاتی که مهدی «عج» را معرفی کرده اند در دو صفحه در کتاب بهائیان دکتر نجفی، ص ۱۸۹-۱۹۰ مذکور است.

۵-۳-۳-دلیل تقریر^۱

استدلال: بقاء و نفوذ شریعت بین مردم دال بر صحت ادعای مدعی است.

اولا: نفوذی نداشته گر چه آمار جعلی هم بدهند که توضیحش گذشت.

ثانیا: برفرض که نفوذ کرده آیا نفوذ دال بر صحت وحقانیت است؟ آیا مهدی سودانی که طرفداران بیشتری هم نسبت به بهائیت دارد این نشان حقانیت ادعای مهدویت اوست؟

ثالثا: اگر عدم نفوذ دال بر بطلان آن شریعت باشد شامل خیلی از پیامبران هم می شود. مثل قوم عاد، ثمود، لوط، صالح و دیگر پیامبرانی که از این قبیل هستند.

گذشته از این که برخی از پیامبران، بعد از درگذشت خودشان به مرور زمان مغفول شده است و مردم دوباره به همان خرافه پرستی و بت پرستی روی آورده اند.

۵-۳-۴-معجزه^۲

گلپایگانی در این مورد بعد از چهل صفحه عبارت پردازی چیزی را به عنوان معجزه باب^۳ و بها نمی تواند بشمارد لذا گاهی معجزات انبیاء را انکار کرده میگوید لزومی ندارد که پیامبر معجزه ارائه کند تا کسی انتظار وقوع معجزه از باب و بها داشته باشد.

گاهی هم اخبار مربوط به آینده (اخبار غیبی) باب و بها را به عنوان معجزه شمرده ولی به جای ذکر معجزه باب و بها، طالبان را به محل خود که معلوم نیست این محل کجاست ارجاع می دهد.^۴

عقیده سران بهائیت در مورد مهدی موعود با الفاظ متفاوت، همان عقیده بها است که امام و خانواده وی و مکانش همه را موهوم می داند.^۵

۱. شبهات مطرح شده از سوی بهائیان در این زمینه همراه پاسخ های آن در برخی منابع دیگر ذکر شده از جمله ر.ک: محلاتی، گفتار خوش یارقلی، موسسه انتشارات فرهنگی، چاپ سوم، بی تا، صص ۳۱-۳۲.

۲ در زمینه معجزه شبهات مطرح شده از سوی بهائیان همراه پاسخ های آن در برخی منابع دیگر ذکر شده از جمله ر.ک: محلاتی، گفتارخوش یارقلی، پیشین، صص ۱۵-۲۰.

۳. علی محمد به عنوان معجزه (به قول برخی محققین کرامت) خویش می گفت: روزی ۱۰۰۰ بیت می نویسد. بیت در اصطلاح خطاطان یعنی ۵۰ حرف. Cd بهائیت، استاد مردانی.

۴. تمام چهار دلیل گلپایگانی و ایرادات وارد بر آن از کتاب بهائیت، دکتر مهناز آیتی، بی جا، بی تا، ذکر گردید. نقد کتاب فرائد توسط آیه الله شیخ جواد تهرانی در کتاب بهائی چه می گوید: که مهناز آیتی هم از این کتاب استفاده نموده است- موجود است که به علت عدم دسترسی به این کتاب گرانسنگ مراجعه به این کتاب حاصل نشد.

۵. ر.ک: سید محمد باقر نجفی، بهائیان، پیشین، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

در زمینه عقاید، ما همان کتاب وزین محاکمه و بررسی باب و بها را معیار قرار داده اختصاراً مطالبی را ذکر می کنیم.

مطلب آغازین کتاب- قبل از پرداختن به بحث- به این مضمون است که اسلام دارای ده اصل محکم است که به وسیله ثبوت هر کدام از این اصول ده گانه بطلان بهائیت و بابیت و هر حزب دیگری که به نام دین جعل می شود اثبات می شود. اما آن اصول ده گانه عبارتند از:

۵-۴- اصول ده گانه اعتقادی اسلام در بطلان ادیان بعد از اسلام:

۵-۴-۱- اصل اول: خاتمیت دین رسول اکرم «ص»^۱

با استناد به شش آیه از قرآن، تصریح برخی از علما از جمله احساسی و سید کاظم رشتی و استناد به ده روایت که در این تحقیق به ذکر سه آیه بسنده می شود:

۱. احزاب / ۴۰: «محمد پدر یکی از شماها نیست او رسول پروردگار متعال و ختم کننده پیغمبران است و خداوند به هر چیزی عالم و دانا است.»

و طبق آیه ۱۰۶ سوره بقره که می فرماید:

۲. «آیتی از آیات الهی، منسوخ یا فراموش شده و متروک نمی شود مگر اینکه آیتی را که بهتر از اولی یا نظیر آن باشد را می آوریم.»

کتابی که بعد از قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانی و هدایت انسان نازل می شود باید از هر جهت بهتر و جامع تر و مفیدتر از قرآن باشد و ما اگر قرآن را با کتاب سراپا اغلاط (لفظی، ادبی، معنوی) بیان واقدس و مطالب واحکام مسخره آمیز و درهم و خنده آور^۲ آنها مقایسه کنیم، پاینده بودن دین اسلام اثبات خواهد شد.

۱. فهرست منابعی که باب و بها اعتراف به خاتمیت پیامبر «ص» نموده اند از کتاب علی رضا روزبهانی بروجردی، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) به نقل از باب، صحیفه عدلیه، ص ۵، بها، مجموعه الواح مبارکه بها الله، ص ۲۷۰، مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۶۰، بدیع، ص ۲۹۳، اشراقات، ص ۲۴۶ و ۱۱۷، مفاوضات، ص ۱۲۴، و اشراق خاوری در قاموس توفیق منبع، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. یکی از امور بدیهی در مورد مسلک بهائیت، همین مطلب است لذا ما کتاب اقدس و بیان را هم ضمیمه تحقیق کردیم تا ملاحظه شود به عنوان نمونه: رک: محمد علی خادمی، بی بهایی باب و بهاء، نور، ۱۳۲۷، ص ۱۴۳ و جان ر هیلنز، راهنمای ادیان زنده، عبدالرحیم گواهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، ج دوم ص ۱۱۹۳. جالب اینجاست که همین کتاب ها و جملات خود را معجزه خودشان می دانند همچنان که در عبارات گلپایگانی ذکر شد و نیز رک: جان. هیلنز، راهنمای ادیان زنده، پیشین، ص ۱۱۹۳.

۳. آیات تحدی از قبیل آیه ۸۸ بنی اسرائیل: بگو اگر همه جن وانس اجتماع نمایند تا مانند این قرآن را بیاورند البته نخواهند توانست اگر چه همدیگر را یاری کرده و در این مبارزه پشت به پشت همدیگر بدهند.^۱

۵-۴-۲- اصل دوم: حضرت ولیعصر «عج» امام دوازدهم

مطالبی ذکر گردید ولی تذکر این نکته که در کتاب مذکور آمده خالی از لطف نیست.

بزرگترین دلیل برای وجود حیات امام دوازدهم «عج» در مقابل سید علی محمد و پیروانش نوشته های خود او در مقام تمجید و تجلیل و تعظیم و اظهار اشتیاق شدید او برای ملاقات با آن حضرت است که قبل از ادعای قائمیت نوشته است.^۲ اما بعدها که ابواب تأویل گشوده شد یکایک مطالب را تأویل کردند.

۵-۴-۳- اصل سوم: مقام نبوت

مقام نبوت را هم باب و میرزا فقط محتاج به نزول آیات می دانند. [مطالب قبلی را ضمیمه کنید به این جواب که] پس در این صورت می باید صدها امثال حریری، که جناب باب و بها از فهمیدن جملات ایشان عاجزند، در رأس مقام نبوت قرار گیرند. یا خود صبح ازل که آیات زیادی نازل کرده [!] و خود بها ده سال^۳ مقابل او خاضع بوده [و همان طور که قبلا اشاره شد با تبلیغ یحیی، حسینعلی بابی شد].

۵-۴-۴- اصل چهارم: پروردگار جهان

بها می گوید: «حینئذ اننئی انا الله لا اله الا انا کما قال النقطه (سید باب) من قبل و بعینه یقول من یأتی من بعد.^۴ که طبق این گفته مقام الوهیت خود، باب و برای آیندگان را ثابت می کند از طرفی دیگر طبق گفته های خودشان بها خدای باب است و بها خدای باب.^۵

۱. در طول تاریخ کسانی بوده اند که مثل علی محمد و حسینعلی جملات عربی ای به صورت موزون و سبک خاصی نوشته اند تا مثلا آیه یا آیاتی مثل قرآن بیاورند که هر کدام از دیگری مضحک تر و بی محتواترند و نشانگر وضعیت شخصیتی و معرفتی آوردگانشان می باشند. نمونه دیگری را ملاحظه نمایید. آیاتی که مُسیله می گفته است:

«والمُبدرات زرعاً و الحاصداتِ و الذاریاتِ قَمحا و الطاحنات طحنا و الخابزات خیرا و ...» یعنی «قسم به بذر پاشان برای کشتن و درو کنندگان درو کردنی و پراکنده کنندگان گندمی و آسیاب کنندگان و پخت کنندگان نانی و ترید کنندگان تریدی و لقمه گیران از پیه ذوب شده که شما از چادر نشینان برتری یافته اید و شهر نشینان از شما پیشی نگرفته اند. مصطفی حسینی طباطبایی، ماجراب باب و بها، پیشین، صص ۱۴-۱۵.

۲. به نقل از تفسیر سوره یوسف علی محمد باب، احسن القصص، سوره ۵۸، یا سیدالاکبر... سوره ۵۹، یا اهل الارض، سوره ۶۰، یا عبدالله... و در ۵ سوره دیگر که در برخی از موارد از همین کتاب به اسم شریف امام دوازدهم عج واسامی آباء طاهرینش تصریح کرده است.

۳. در کتاب ماهیت باب و بها (پیشین، ص ۱۰) نیز ده سال ذکر شده است.

۴. به نقل از بدیع، ص ۱۵۴، ادعاهای دیگر الوهیت او بدیع، ص ۳۴۱-۳۴۲؛ عبدالبهاء درمکاتیب، ص ۲۴۵، س ۳، ص ۲۵۵، بها در کتاب مبین ص ۲۱، س ۵، و ص ۴۸، س ۱۴.

۵. مستفاد از بدیع، ص ۲۳۲، ۲۳۶، بدیع، ص ۳۵۲، س ۴ که بها از قول سید باب عباراتی را نقل می کند که مضمونش اینست که خدای باب به گفته خودش، من (بها) بوده ام.

جواب اینست که:

جانشینان بها باید پاسخ بدهند که در صورتی که توجه پیدا کردن به پروردگار جهان و مبدا ظهور و مشرق آیات برای بشر غیر ممکن بوده و به قول بها و عبدالبهاء السبیل مقطوع و الطلب مردوده پس خود باب و بها در عبادات خودشان به کجا متوجه می شدند؟ و آیا آنها کدام مرآت و مجلی را در نظر می گرفتند؟.... آیا باب و بها از افراد بشر نبوده اند؟ آیا مرآت و مجلی بودن بدون تحقق توجه و ارتباط صورت می گیرد؟ و آیا مرایا و مظاهر حق از مظهر بودن خودشان غافل و مرآت بودن خودشان را نفهمیده اند؟

۵-۴-۵- اصل پنجم: عبادت توقیفی است

اصحاب باب ابتدا دو دسته بودند دسته ای تصرف در شریعت اسلام را جایز نمی دانستند ولی دسته ای جایز می دانستند که قره العین از این دسته دوم بود که اولین نفری بود که تصرف کرده قانون حجاب و حکم صوم را نسخ کرد بعدها معتقد شدند که باب پیغمبر جدید برتر از پیامبران سابق است و خداوند ظهور کرده و مذهب قبل منسوخ و قوانین قدیم از ریشه درآمده اند^۱

بها تا خودش زنده بود احکام را خودش معین و جعل می کرد بعد از خودش دستور تشکیل بیت العدل را در این زمینه می دهد.^۲

۵-۴-۶- اصل ششم: قیامت وحشر و نشر

قیامت [از نظر اسلام] عبارتست از عود روح به بدن (معاد) و زنده شدن پس از مردن و حشر مردم برای دیدن نتیجه اعمال خوب و بدی که در این جهان بجا آورده اند.

باب قیامت را روز ظهور شجره حقیقت (خودش) دانسته و گفته احدی از شیعه یوم قیامت را نفهمیده بلکه همه موهوما امری را توهم نموده که عندالله حقیقت ندارد.^۳

^۱ به نقل از ترجمه مذاهب ملل از میسیونیکلا، ص ۲۹۷ و به استناد یازده آیه از علی محمد باب.

^۲ به نقل از اقدس، ص ۹، س ۹، مکاتیب اول عبدالبهاء ص ۴۵۵، س ۱۷.

^۳ به نقل از بیان، باب سایع از واحد ثانی.

بها هم منظور از قیامت را قیام خودش دانسته برای نبوت^۱ و از ساعه^۱ که در قرآن آمده که منظور قرآن قیامت است [ساعت بعثت خودش را ارائه کرده روی این عقیده آیات قرآن را به خودش تاویل می نماید.^۲ بعدها که ابواب تاویل گشوده شد یکایک مطالب را تاویل کردند.^۳

ما می گوییم: اگر (چنان که جناب بها می گوید) قیامت یعنی قیام یک نفر برای اصلاح حال مردم، بهشت یعنی باغ وصال و لقای شخصی که دعوی مقامی می کند، جهنم یعنی به آتش فراق و جهل و خلاف سوختن. خداوند یعنی آن شخصی که شما را تعلیم و تربیت می کند، معجزه یعنی عاجز کننده یک مشت عوام و احمق و نادان (از دعوی های پوچ و طلا و نقره و حيله و تزویر و سیاست و تدبیر) کتاب آسمانی یعنی آن کلماتی که از سمای فکری و روح به زبان جاری می شود و همچنین سایر قسمت ها، پس آیین و دین یعنی چه؟ پس با امکان این تاویلات و احتمالات چرا مردم بیچاره را زیر بار تکلیف و قوانین می برید؟

جناب عبدالبها طی جملاتی^۴ نه تنها علائم ظهور قائم «عج» را به مسخره و استهزاء و تاویل تمام کرده بلکه علائم قیامت و دوزخ و بهشت و جهان دیگر را نیز (میزان و صراط و حساب و ملائکه و حور و کوثر و غیر اینها) در ردیف علائم ظهور شمرده و همه را واقع شده و منقضی و تمام شده می داند. (جمع این شروط و علائم و وقایع در لمح البصر واقع) اینست که می گوییم:

بهائیت آزادی مطلق و حریت کلی به مردم داده مردم بیچاره را از زیر بار تکلیف و حدود و جزا و دوزخ و عذاب و آخرت و حساب و کتاب می رهااند.^۵

۵-۴-۷-اصل هفتم: مقام نبوت امری است و موهبتی است الهی

فضائل شخصی نبی باید از جانب پروردگار جهان اعطا شود نه از راه ریاضت و تحصیل. در این باب ادعاها و کلمات متناقضی دارند که در برخی درصدد اثبات امی بودن باب و بها کرده اند در حالی که تصریح به تحصیل کرده اند هر دوی آنها و حتی اسم استادهاشان و علوم و کتبی که با آن سر و کار داشته اند در منابع اصیل موجود است. ایشان استنادات زیادی در همین کتاب بررسی باب و بها ذکر کرده اند که اختصارا بیان نمی کنیم.

۵-۴-۸-اصل هشتم: نبوت و درستی

^۱... اکثر علما چون این آیات را ادراک ننموده اند و از مقصود قیامت واقف نشده اند لهذا جمیع را به قیامت موهوم من حیث لا یشر تفسیر می نمایند. ایقان، پیشین، ص ۶۵.

^۲ به نقل از اقدس، ص ۱۰۲، س ۳؛ مکاتیب عبدالبها، ص ۳۳ س ۱۵ اقدس، ص ۲۵۲، س ۹، مکاتیب ثانی عبدالبها، ص ۱۶۵، س ۱۱، که علائم قیامت در برخی از اینها شمرده شده از نظر آنها.

^۳ برخی از تاویلات دیگر در ص ۹ همین مقاله مذکور است.

^۴ به نقل از مکاتیب عبدالبها، ص ۳۵۲، س ۸.

^۵ اوصاف قیامت از منظر قرآن را می توانید در آیات ۶۶ مریم، اول حج، ۶ حج، ۱۵ مؤمنون و ۶۶ نمل نگاه کنید.

پیامبر مردم را به سوی راستی و درستی و حقیقت دعوت کرده از راه های تزویر و تقلب و تدلیس و دروغ نهی می کند. خلاف موارد مذکور در مورد آنها با استناد به بیانات خودشان ثابت شده است، که از جمله آنها ادعای قائمیت و نبوت و الوهیت و عقیده آنها در مورد صراط و قیامت و ... است که منابع آن قبلاً ذکر گردید.

۵-۴-۹- اصل نهم: کتاب آسمانی

کتاب آسمانی هم از حیث محتوا هم الفاظ و عبارات باید در حد اعجاز باشد که دیگران از آوردن آن عاجز باشند. راجع به این مطلب هم قبلاً بحث شد.

۵-۴-۱۰- اصل دهم: دین و تناقض نداشتن

حقیقت هر قضیه بیش از یکی نیست. صدق هر کلامی یک رنگ بیشتر ندارد و قرآن به استناد آیه ۸۲ سوره نساء و ... عاری از تناقض است.

در احسن القصص در سوره ۸۶ می گوید: «چون از سید باب کلامی برخلاف قواعد متداوله شیطانیه شنیدید آن را رد نکنید زیرا که ملک جهان برای پروردگار است و او به هر نحوی که بخواهد در ملک خود تصرف می کند.»

اینکه احتیاجی به علوم متداوله ندارد، در دو شبانه روز نظیر یک قرآن را می نویسد، متفکرین جهان نتوانند یک آیه آن را بفهمند و او من یشاء کیف یشاء بما یشاء لما یشاء است. از عبارات سید بدست می آید. سید باب خداست صبح ازل هم خداست، موجودات از سید باب آفریده شده و به سوی او نیز برگشت و رجوع خواهند کرد و صبح ازل صراط بزرگ و حقی است که مأموریت دارد کتاب بیان را حفظ کرده و مردم را به کتاب دعوت نماید این سخن نیز با مقام رسالت و نمایندگی او کمال تناقض و تنافی را داشته از جهات متعدد با دعوی سید باب سازگار نیست. از جمله تناقضات بها اعتراف به نیابت و وصایت صبح ازل تا چند سال که بعداً موضعش تغییر عجیبی می کند که قبلاً ذکر شد.

۶- عقیده کلی بهائیت در سیاست:

از اقدامات میرزا جهت رسیدن به قدرت، از اقدامات سیاسی او، راپورتچی گری های او، از عاملیت آنان در قتل طیب از خصومتشان با جشن های نیمه شعبان، از شادی های آنها در شهادت رزمنندگان ایرانی در طول جنگ، از شادی آنها از رحلت بنیان گذار انقلاب حضرت امام خمینی «ره»^۱ از همکاسگی او و پیروانش و جانشینانش با کشورهای استعماری متخاصم با اسلام و از مقابله جدی ای که علمای اسلام نظیر حضرات عظام بروجردی، امام خمینی «ره»

۱. مجله ایام، پیشین، صص ۵۳-۵۹.

و مرحوم فلسفی با او و عقایدش کردند^۱ و موارد عدیده دیگر، دیدگاه آنها در سیاست مشخص است جهت توضیح بیشتر، مطالب دیگری ذکر می‌گردد.

از نظر بهائیت- به قول خودشان- ادنی مداخله سیاسی قلیاً و ظاهراً و لساناً و باطناً طبق قول ولی امرالله جایز نیست. یکی از محققین علت این کار را دو عامل ذکر می‌کند:

۱. موقعیت سیاسی، مداخله های سیاسی، سرسپردگی ها و حمایت مأمورین خارجی از بهائیان را پنهان سازند؛
۲. در راستای سیاست خارجی و اشخاص سیاسی خارجی تحت عنوان عدم دخالت سیاسی از آزادی خواهان و وطن خواهان حمایت نکرده باعث تقویت وضع موجود شوند.^۲

یا آنگاه که عثمانی از انگلستان شکست خورد و شروع به حمایت از انگلستان و جاسوسی برای آن کرد که بعدها قضیه جاسوسی او لو رفته حاکم عثمانی در صدد اعدامش بر می آید که اربابان انگلیسی اش به دادش می رسند و لقب «سر» به او می دهند، باید از او می پرسیدند: بدا در حکم خدای بهائیت حاصل شد که سرسپاری از عثمانی به انگلستان عوض شد؟^۳

این جمله نیز از بها است که «کن کشعله النار لأعدائی» یعنی «با دشمن من، همچون شعله آتش باش.»^۴ در موارد ارتباط بهائیت با آمریکا، انگلیس، اسرائیل و پهلوی مطالب بسیار شنیدنی که چهره بهائیت را بیشتر می تواند نشان دهد، مباحث گسترده ای صورت گرفته که از حوصله این مقاله خارج است.^۵

۷- احکام^۶ بهائیت:

۷-۱- نماز و روزه

۱. ر.ک: سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، پیشین، صص ۲۹۲-۲۹۳. مجله ایام، پیشین، صص ۵۰-۵۲. نقش مجتهدانی نظیر حضرات عظام بروجردی و امام خمینی ره، مرحوم فلسفی و دیگر علمای شیعه در همین راستا برسینه تاریخ حک شده و اگر مذهب شیعه با این همه هجمه ها و کیدها باقیست و روز به روز هم بر تعداد شیفتگان ائمه اطهار «ع» در سطح دنیا افزوده می شود به الطاف باری تعالی، امام عصر «عج» و همت و بصیرت و ژرف نگری علما و مجتهدین می باشد.

۲. سید محمد باقر نجفی، بهائیان، مشعر، قم ۱۳۸۲ چ اول، صص ۷۳۶-۷۳۹ به نقل از احمد یزدانی مبلغ مشهور بهایی در کتاب «نظر اجمالی در دیانت بهائی»

۳. ر.ک: همان، صص ۶۳۹-۶۴۵ به نقل از کشف الحیل، ص ۱۴۹، قرن بدیع، ص ۲۹۹، مکاتیب، ج ۴، ص ۳۴۵.

۴. مصطفی حسینی طباطبایی، ماجرای باب و بها (پژوهشی نو و مستند درباره بابیگری و بهائیگری) روزه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳، به نقل از لوح احمد حسینی علی بها.

۵. جهت اطلاع اجمالی، ر.ک: مجله ایام، پیشین.

۶. ویژگیهای قانونگذار عبارتند از: ۱. انسان را کاملاً بشناسد. ۲. وضع قوانین سود و ضرری برایش نداشته باشد. ۳. از وضع قوانین نهراسد. از آن رو که این ویژگیها مختص خداست، غیر خدا نمی تواند واقع قرآن باشد. ر.ک: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نسا، ولایت فقیه و انتظار، سازمان بسیج دانش آموزی و فرهنگیان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱-۲۴.

که از اول بلوغ واجب می شود نماز نه رکعت است برای خدا، نازل کننده آیات. حکم به عدم نماز جماعت داده شده در حالی که براساس شواهد تاریخی خود میرزا و پسرش تا آخر عمر پشت سر امام جماعت وقت نماز را به جماعت می خواندند.

۷-۲-قبله

که همان جایگاه جسد بها در عکا است.

۷-۳-سرق

که بار اول دزد را تبعید، در بار دوم زندان و بار سوم علامتی در پیشانی دزد بگذارند که بدان وسیله شهرهای خدا او را نپذیرند. به این حکم که بهائیان آن را برجسته ترین احکام اقدس می دانند چندین ایراد وارد شده است.^۱

۷-۴-زنا:

دیه آن نه مثقال طلا برای بیت العدل است. در صورت تکرار دو برابر و الی آخر که در آن فرقی بین زنا محصنه و غیر محصنه قرار داده نشده است.

۷-۵-عید:

اعیاد واجب روز ولادت بها و روز بعثت باب می باشد.

۷-۶-ازدواج:

[علاوه بر نکاتی که قبلا ذکر شد این نکته هم مفید است که] به عقیده بهائیان ازدواج با بیش از یک زن حرام است. آزادی معاملات ربوی، الغای حجاب زنان و ترک تراشیدن ریش مردان از دیگر احکام آنهاست.

نفی روحانیت و ملغی نمودن این نهاد نیز یکی از ابداعات بهاء است.^۲

در وضو گرفتن، شستن دست ها تا میچ و شستن صورت در مرتبه اول با گلاب و در صورت نبودن آب، گفتن کلمه الله أطهر به جای وضو و تطهیر کافی است علاوه بر اینکه مسح سر و پاها نیز لازم نیست.

میرزا بها ابتدای بلوغ زن و مرد را در سن شانزده سالگی و منتهای آن را سن هفتاد سالگی دانسته است.

نه روز در سال کسب و کار حرام است.^۳

۱.ر.ک:سعید زاهد زاهدانی، با همکاری محمدعلی سلامی، بهائیت در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱، به نقل از عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام و بدیع، ص ۱۰۵.

۲.ر.ک: بهائیت در ایران، صص ۱۱۰-۱۱۲.

۳.ر.ک: علامه مصطفوی، محاکمه و بررسی باب و بها، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، چ چهارم، ج سوم، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳-۲۳۲.

عدم جواز ذکر گفتن بین مردم، حرام بودن سؤال کردن فقیراً [تکدی گری] و نیز حرام بودن اعطای چیزی به او، حلال بودن پوشیدن حریر برای مردان و جواز ریش تراشی برای آنها، حرام بودن بوسیدن دست، حرمت تراشیدن موی سر، تحریم نشستن بر روی منبر، جایز نبودن نشر کتاب هایی که صلاح بهائیت نیست به نام اینکه مخالفت با دولت است، حرام دانستن تقیه با آنکه خودشان به شدت تقیه می کردند، جواز غنا، تحریم سفرهای زیارتی مگر اینکه برای زیارت خودشان یا قبرشان باشد، تجویز استفاده از ظروف طلا و نقره، منع از غذا خوردن با دست، حرام بودن تریاک کشیدن به طور مطلق، پاک دانستن تمام اشیاء حتی سگ و خوک و منی حرام بودن دخول در خزینه حمام (و حوض و این طور اماکن) تکفین میت در پنج پارچه یا پنبه و دفن کردن میت در عرض یک ساعت والا حرام است در حالی که به قول خودشان بها دستور می دهد جنازه باب را از تبریز به تهران نقل داده در امام زاده معصوم ودیعه نهادند تا در سنه ۱۲۸۴ باز به دستور بها جنازه را از آنجا برداشته به سوی عکا [در فلسطین] نقل نمودند، گذاشتن میت در میان بلور یا سنگ های محکم یا چوب های سخت و لطیف و انگشترها منقوش به آیه در دست میت کردن،^۱ محو همه کتب الا کتابهای علی محمد (بیان فارسی ص ۱۹۸) منع تدریس همه کتب الا کتاب «بیان» (همان، ص ۱۳۰)، از طرفی حکم به کشتن غیر مؤمنین به بیان واز طرفی حکم به مصادره اموال آنها (همان، ص ۲۶۲) هوا از جمله مطهرات است (همان، ص ۱۵۷) اگر معلمی دانش آموزی را بیش از پنج ضربه تنبیه نماید ۱۹ شب همسرش براو حرام می شود. (همان، ص ۱۷۳) نهی شده از مسکرات و هر چه حکم دوا براو شده است (همان، ص ۲۱۷)^۲ و احکام دیگر^۳ که اختصاراً از ذکر آنها صرف نظر می گردد نیز از احکام این مسلک می باشد.

۸- تبلیغ بهائیت^۴

۸-۱- برخی از اقدامات تبلیغی بهائیت در ایران:

۸-۱-۱- صرف میلیون ها دلار برای خرید فضا و وقت از ماهوارههای گوناگون.

۱. ر.ک: همان : ج دوم، صص ۵۴-۱۰۳ و ر.ک: حسن نیکو، فلسفه نیکو، بنگاه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۲، صص ۱۱۰-۱۲۴ این کتاب نیز از بهترین منابع در شناخت بهائیت است که عقاید و احکام بهائیت را همراه انتقادات وارد بر آنها به رشته تحریر آورده است از آنجا که دکتر نیکو زمانی بهائی بوده، چنین می سرايد:

زمن شنو که بگویم هر آنچه دیده شده نه از کسی که بگوید چنین شنیده شده (صفحه آخر) چهاردهی در باب کیست سخن او چیست دو کتاب بایبان در رد بهائیت (تنبیه النائمین عزیه خانم، عمه عبدالبهاء، وهشت بهشت میرزا آقا خان نوری و احمد روحی) را بهترین ردیه بر بهائیت میداند.

۲. شش حکم اخیر از بیان به نقل از مهدی کریمی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، پیشین.

۳. در جواب اشکالات به احکام "بیان" عده ای می گویند ما بهایی هستیم بابت نسخ شده است. در حالی که بها می گوید: نسبت داده اند که احکام بیان نسخ نموده الا لعنه الله علی القوم الظالمین، (اقتدارات، ص ۱۰۳) ر.ک: مهدی کریمی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، پیشین.

۴. تذکر این نکته به جاست که: از آنجا که حسن موقر بال یوزی- رئیس محفل ملی بهائیان انگلستان که بعد از شوقی افندی می توان گفت که بیت العدل با حمایت و پیگیری وی بنا شد- بنیان گذار بخش فارسی BBC است، این بخش از شبکه خبری متاثر از بهائیان است. نقش حسن موقر در راستای بنای بیت العدل در کتاب انشعاب در بهائیت تالیف اسماعیل رائین مورد اشاره واقع شده است.

۸-۱-۲-تبلیغ رذیلانه درباره اعزام دختران ایرانی به منطقه شیخ نشینهای خلیج فارس که طبق تحقیقات صورت گرفته تمام گروه های فعال در این زمینه بهائی هستند. اجرای این طرف تحت عنوان « تبلیغات منفی » با هدف بدنام کردن جمهوری اسلامی صورت می گیرد.

۸-۱-۳-انجام کارهای خیریه وعالم المنفعه مانند عیادت از بیماران در بیمارستانها، نظافت پارکهای محل و معابر کوهستانی، مراجعه به آسایشگاه سالمندان و کمک به سالخوردگان توسط کودکان بهائی ۱۵-۱۲ ساله که در صورت امکان این کار همراه بزرگ تر هایشان صورت می گیرد.

۸-۱-۴-تربیت راهنمایان و مبلغین بهائی که از طریق آشنایی مجدد با دوستان مدرسه، ایجاد کلاسهای آشپزی و هنری، رفت و آمد به کتابخانه ها و سمینارها و به تبلیغ می پردازند.

۸-۱-۶-تبلیغات بر روی برخی اجناس.^۱

همه اقدامات فوق ناشی از احکام بیت العدل میباشد. البته دلایل عدیده ای مبنی بر اثبات شکست روز افزون بیت مذکور موجود است.^۲

۹-جمع بندی:

در عصر غیبت با تاسی از فرمایش یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی «عج» مبنی بر رجوع درحوادث واقعه به فقها^۳ و در راس آنها ولی فقیه^۴ اسلام واقعی حفظ و در نتیجه ارزش و کرامت و جایگاه واقعی انسان باقی و نقشه دشمنان سعادت انسانی لگدکوب خواهد شد.

۱. محمود علی پور، مبلغان شیطان، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی فرهنگ پویا(نشریه دانشجویی دفتر پژوهش های فرهنگی) شماره ۷، اسفند ۱۳۸۶. صص ۹۷-۱۰۲ مورد اخیر در هفته نامه کشوری فرهنگ اسلام، شماره ۲۳۴، سال یازدهم شنبه، ۵ آبان ۸۶، ص ۴ نیز مذکور است.

۲.ر.ک: همان، ص ۱۰۰.

۳.و اما الحوادث الواقعة فرجعوا الی رواه احادیثنا، حر عاملی، وسایل الشیعه، موسسه آل البیت ع قم ۱۴۰۹ ق ج اول، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۴.سه عامل اقتدار تشیع، ۱-خط سرخ که از حسین ع و خط سبز که از موعود امم عج می گیرد و ولایت فقیه پیوسته مورد توجه دشمنان بوده و فوکویاما هم ضمن بیان این نکته، به این مطلب هم اعتراف می کند که نظریه پایان تاریخ - که وی ادعا کرده بود اجماعی جهانی به نفع دموکراسی به وجود آمده با شکست نماینده فکری غرب (آمریکا) و شکست اسرائیل و پیروزیهای چشمگیر کشورها و گروه های اسلامی شیعی- باطل شده است. در مورد نظریه ولایت فقیه صریحا بیان می کند که این نگاه برتر از نظریه نخبگان افلاطون است. مقاله تاریخ در پایان تاریخ نوشته فوکویاما ترجمه ابراهیم اسکانی قابل دسترسی در آدرس: WWW.WORLD/12519/WORLD/?PHP.INDEX/NET.EMROOZ-IRAN.WORLD/

[HTTP://MORE](http://WWW.WORLD/12519/WORLD/?PHP.INDEX/NET.EMROOZ-IRAN.WORLD/)

مقاله دکترین بوش در مورد تحول خاورمیانه شکست خورده است نوشته فوکویاما قابل دسترس در آدرس:

[HTT://MR/PERARTICLES/NET.SOLTV.WWW-07-19-HTML.UKUYAMA.](http://MR/PERARTICLES/NET.SOLTV.WWW-07-19-HTML.UKUYAMA.)

میرزا حسینعلی (بها) اهمیت والای این مطلب را درک کرده لذا منکر ولایت فقها و (مشروعیت ولایت آنها) گشته^۱، رجوع به علما را منع کرده،^۲ -البته رجوع به واقفین مخازن علم (ظاهرا خودش و سران بهائی مراد اوست) را لازم می داند^۳ - آنرا مخالف نصیحت انبیا^۴ و علت عدم درک این هیاکل الهیه (باب و بها) از سوی مسیحیان^۵ و شیعیان^۶ معرفی کرده علت این منع را استغراق علما در شئونات نفسیه و اشتغال به امورات دنیه فانیه^۷ دانسته و می گوید علما همه احکام اسلام را تقلیدا قبول دارند.^۸ دانسته القاب زشتی^۹ بر آنها و شیعیان^{۱۰} اطلاق کرده است.

یافته های این تحقیق بدین قرار است:

۱. عقاید بهائیت برگرفته از وحی نبوده حتی بیشتر آنها فاقد پشتوانه عقلی اند.
- ۲- با آنکه باب تاویل به دستور سران مسلک مسدود گشته ولی در عمل تاویلات زیادی کرده اند که خود این تاویلات هم معقول و مشروع نیستند.
- ۳- اعتقادات بهائی متناقض و بسیار سست اند تا آنجا که خود بزرگان بهایی هم بدان معترفند.
- ۴- نه بهائیت قابلیت «دین بودن» دارد نه بنیانگذاران آن صلاحیت مقامات ادعایشان را دارند و نه خدا فاعلیت ارسال و وضع چنین دینی را دارد.

۱۰- فهرست منابع:

۱. قرآن کریم

۲. صحیفه سجادیه

۱. ایقان، پیشین، ص ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۳۸.

۵. همان، ص ۶۷.

۶. همان، ص ۶۹.

۷. همان، ص ۶۹.

۸. همان، ص ۱۵۳. البته شیعه تقلید در اصول دین را حرام ولی در فروع دین به ادله نقلی و عقلی (رجوع به متخصص) واجب می داند.

۹. همان، ص ۳۳، ۲۶، ۱۵، ۵ و ۶۷.

۱۰. همان، ص ۱۹۴ - ۳۲. وصحی، پیام پدر، پیشین، ص ۹۰، و ص ۹۸ که می نویسد: بها ایرانیان را قبل از بهائی شدن جانوران خونریز، دور از آموزش و پرورش، زشتکار و بد کردار تا آنجا که (میگوید) بیگانگان ایرانیان را پست ترین مردم جهان می پنداشتند. بها قلوب بهائیان را قلوب جیده منیره و قلوب غیر بهائیان را اراضی جرزیه فانیه می داند. ایقان، پیشین، ص ۱۴۱.

۳. آیتی، مهناز، بهائیت، بی جا، بی تا
۴. آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، ج ۱
۵. آیتی، عبدالحسین، الکواکب الدریه، ج ۱
۶. اعتضادالسلطنه، فتنه باب، بابک، تهران، ۱۳۵۱، چاپ دوم، ص ۱۴۶.
۷. افراسیابی، بهرام، تاریخ جامع بهائیت، مهر فام، تهران، ۱۳۸۲، چاپ دهم.
۸. بی نا، فجایع بهائیت یا واقعه قتل ابرقو استخراج از پرونده های شاهرود، کاشان و ابرقوی یزد در دادگاه جنایی تهران، کیهانی، تهران، بی تا.
۹. چهاردهی، نورالدین، چگونه بهائیت پدید آمده، آفرینش، تهران ۱۳۶۹، چاپ دوم.
۱۰. عاملی، حر، وسایل الشیعه، موسسه آل البيت "ع"، قم ۱۴۰۹ ق. چ اول.
۱۱. خادمی، محمد علی، بی بهایی باب و بها، نور ۱۳۲۷.
۱۲. روزبهانی بروجردی، علی رضا، در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت) انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول ۱۳۸۸.
۱۳. رئوفی، مهناز، سایه شوم (نیمه پنهان، ج ۲۶) کیهان، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۱۴. رضائزاد، عزالدین، فصلنامه علمی - تخصصی انتظار موعود، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۱۵. زاهد زاهدانی، سعید، با همکاری محمدعلی سلامی، بهائیت در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
۱۶. زمردیان، احمد، معارف الهی (شرح دعای سحر)، کتابفروشی شفیعی، شیراز ۱۳۵۵.
- ۱۷.
۱۸. علامه مصطفوی، محاکمه و بررسی باب و بهاء مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران، چ چهارم، ج سوم، ۱۳۸۶، صص ۲۲۳-۲۳۲.
۱۹. علی پور، محمود، مبلغان شیطان، فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فرهنگ پویا (نشریه دانشجویی دفتر پژوهش های فرهنگی) شماره ۷ اسفند ۱۳۸۶.
۲۰. فضایی، یوسف، تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی گری، بابی گری.... و کسروی گرایی، آشیانه کتاب، تهران ۱۳۸۱.
۲۱. کینیاژ دالگورکی، خاطرات کینیاژ دالگورکی، حیدر بهره من، موسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الکریم، اصفهان

۲۲. گلپایگانی (فرید)، حسن، ترجمه مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء، تابان، ۱۳۳۴.
۲۳. مجله ایام، شماره ۲۹، ۶ شهریور ۱۳۸۶
۲۴. محمدرضائی، محمد و دیگران، جستارهایی در کلام جدید، سمت، قم، چاپ دوم.
۲۵. مستوفیان، علی امیر، رهبران ضلالت، مولف، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۲۶. مصطفی حسینی طباطبایی، ماجرای باب و بها (پژوهشی نو و مستند درباره بابیگری و بهائیگری)، روزنه، تهران، چاپ سوم ۱۳۸۰.
۲۷. مهتدی (صبحی) فضل الله - کاتب عبدالبهاء - به اهتمام علی امیر مستوفیان، خاطرات انحطاط و سقوط، علم، تهران، ۱۳۸۴.
۲۸. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰، ج پنجم.
۲۹. نجفی، سید محمد باقر، بهائیان، مشعر، قم، ۱۳۸۲، چ اول.
۳۰. نیکو، حسن، فلسفه نیکو، بنگاه مطبوعاتی فراهانی ۱۳۴۲.
۳۱. هفته نامه کشوری فرهنگ اسلام، شماره ۲۳۴، سال یازدهم، شنبه ۵ آبان ۸۶.
۳۲. هینلز، جان. ر. راهنمای ادیان زنده، عبدالرحیم گواهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵، ج دوم.
۳۳. یاسینی نسب (عمارلو)، عبدالعلی، خاطرات سیاسی جاسوس روسی کینیاژ دالگورکی در ایران، صبری، قم، ج اول، (۱۳۸۲).
۳۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، موسسه الوفایء بیروت ۱۴۰۴، ج ۴۹.
۳۵. اسلامی، زینب، گناه و ترس آگاهی در اندیشه کی یر کگارد، مجله علمی - ترویجی معرفت ۱۳۳، سال هفدهم، شماره دهم، دی ۱۳۸۷.
۳۶. مردانی، cd بهائیت
۳۷. رئوفی، مهناز، مسلخ عشق، کیهان ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۳۸. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، حدیث ۷.
۳۹. صبحی، پیام پدر، نسخه الکترونیکی، ص ۱۵-۱۶.
۴۰. کریمی، مهدوی، بهائیت از ادعا تا واقعیت، ص ۵۶ (در نسخه الکترونیکی بقیه آدرس کتاب ذکر نشده است)

۴۱.سایت بهائی پژوهی، عناوین آخرین مقالات، بی نا، جرم بهائی پژوهی چیست؟

۴۲..ماهیت باب و بها، ص ۱۴(در نسخه الکترونیکی بینا، تا و جاست)

WWW.KRBAHAIAT.BLOGFA.COM

۴۳.مجلات، گفتار خوش یارقلی، موسسه انتشارات فرهنگی، چاپ سوم، بی تا،

۴۴.معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نمسا، دین شناسی، سازمان بسیج دانش آموزی.

۴۵.معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نمسا، ولایت فقیه و انتظار، سازمان بسیج دانش آموزش و فرهنگیان، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۸.

۴۶.رائین، اسماعیل، انشعاب در بهائیت.

منابع بهائی(غالباً از نسخ الکترونیکی استفاده شده است):

۴۷.اشراق خاوری، عبدالحمید، ایام تسعه.

۴۸.اشراق خاوری، عبدالحمید، ریح مختوم، ج ۱.

۴۹.اشراق خاوری، عبدالحمید، ریح مختوم، ج ۱.

۵۰.اشراق خاوری، عبدالحمید، قاموس توفیق منیع، ج ۱.

۵۱.اصفهان، سید محمد ملقب به «أبا وحید»، نامه ها، (بابی)

۵۲، اصفهان، علی محمد، رساله (بابی)

۵۳.حاجی میرزا کاشانی، مقدمه براون.

۵۴.ج.ای.اسلمنت، (ترجمه ع.بشیرالهی، ه، رحیمی وف سلیمانی)، بهاءالله وعصر جدید.

۵۵.الجرفادقانی، ابوالفضل محمدبن محمد رضا، الفرائد فی بیان وجوه اقسام الدلیل و البرهان وجواب مسائل انتقد بها حضره الشیخ عبدالسلام علی أهل الایقان، قاهره، ۱۳۱۵، ه.ق

۵۶.جزوه تبلیغی بهائیت، بی نا، بی جا، بی تا.

۵۷.شوقی افندی، قرن بدیع.

۵۸.شیرازی، علی محمد(باب)، احسن القصص(تفسیر سوره یوسف)

۵۹. شیرازی، علی محمد (باب)، بیان فارسی.
۶۰. شیرازی، علی محمد (باب)، بیان.
۶۱. شیرازی، علی محمد (باب)، صحیفه عدلیه.
۶۲. شیرازی، علی محمد (باب)، لوح هیکل.
۶۳. شیرازی، علی محمد (باب)، دلائل سبعه.
۶۴. عبدالبهاء، مکاتیب.
۶۵. عبدالبهاء، الواح و وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء
۶۶. عبدالبهاء، تذکره الوفاء فی ترجمه حیاہ قدماء الاحباء.
۶۷. عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء در سفر اروپا.
۶۸. عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء، ج ۱.
۶۹. عبدالبهاء، رساله سیاسیه حضرت عبدالبهاء.
۷۰. عبدالبهاء، رساله مدینه (عبدالبهاء) ج ۴.
۷۱. عبدالبهاء، قسمت دوم خطابات حضرت عبدالبهاء در سفر آمریکا و کانادا.
۷۲. عبدالبهاء، قسمت سوم خطابات عبدالبهاء در سفر اروپا، آمریکا، کانادا و مصر و ارض اقدس.
۷۳. عبدالبهاء، مائده آسمانی، ج ۵.
۷۴. عبدالبهاء، مائده آسمانی، ج ۹.
۷۵. عبدالبهاء، مفاوضات.
۷۶. عبدالبهاء، مقاله شخصی سیاح.
۷۷. عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۲.
۷۸. عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۵
۷۹. عبدالبهاء مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۸
۸۰. عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۳

۸۱. عبدالبهاء ، مکاتیب عبدالبهاء ج ۱.
۸۲. عبدالبهاء ، مکاتیب عبدالبهاء ج ۴.
۸۳. عبدالبهاء ، مکاتیب عبدالبهاء ج ۷.
۸۴. عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۶.
۸۵. عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء ج ۱.
۸۶. عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء ج ۴.
۸۷. عزّیه خانم (خواهر بزرگ میرزا حسینعلی) رساله تنبیه النائمین (بابی)
۸۸. قهیر، ملا رجبعلی، رساله. (بابی)
۸۹. مازندرانی، فاضل، اسرار الاثار، ج ۱.
۹۰. مازندرانی، فاضل، ظهور الحق، ج ۳.
۹۱. مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء.
۹۲. نراقی، محمد جعفر، تذکره الغافلین. (بابی)
۹۳. نوری حسین علی (بهاء) کتاب مستطاب ایقان، طبعت الموسوعات بباب الشعریه بمصر سنه ۱۳۱۸، ۱۹۰۰ م.
۹۴. نوری حسین علی (بهاء) بدیع.
۹۵. نوری حسین علی (بهاء) ادعیه حضرت محبوب.
۹۶. نوری حسین علی (بهاء) اشراقات.
۹۷. نوری حسین علی (بهاء) اقدس.
۹۸. نوری حسین علی (بهاء) اقدس، ص ۲، چاپ بمبئی، سنه ۱۳۱۴.
۹۹. نوری حسین علی (بهاء) گلزار تعالیم بهائی.
۱۰۰. نوری حسین علی (بهاء) لوح احمد.
۱۰۱. نوری حسین علی (بهاء) ، مائده آسمانی، ج ۴.
۱۰۲. یزدانی، احمد (مبلغ مشهور بهائی)، نظر اجمالی در دیانت بهائی

منابع انگلیسی:

Shoghi effendi ,guidance for tomorrow, London\Wilmette,il,bahai .۱۰۳
publishing trust,1953

paul Edwards,The Encyclopedia of philosophy .vol.7,p,140.۱۰۴

A New Dictionary of Riligion.Ed by John R.Ainnells,p.414.۱۰۵

سایتها:

۱۰۶. سایت صفا، مقاله زن در بهائیت، بی نا.

Bahaireserch.ir عناوین آخرین مناظرات ،حضرت بهاءالله خدای خدایان! (چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵) ونگاهی
به کتاب اقدس،(پنج شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۶) ودعوی الوهیت، پنج شنبه خرداد ۱۳۸۷.

۱۰۸.فوکویاما، مقاله تاریخ در پایان تاریخ، ترجمه ابراهیم اسکافی، قابل دسترس در آدرس:

MORE/WORLD/?PHP.INDEX/NET.EMROOZ-IRAN.WORLD//:HTTP/12519

۱۰۹.فوکویاما، مقاله دکتربین بوش در مورد تحول خاورمیانه شکست خورده است، قابل دسترس در آدرس:

MR/PERARTICLES/NET.SOLTV.WWW//:HTT-O7-19-HTML.UKUYAMA.